

دکتر تد هیلدبرانت تاریخ OT ، ادبیات ، و الهیات ، سخنرانی 14

© 2020 ، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت و دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق او است: سخنرانی شماره ۱۴ در مورد قربانی ها و اعیاد لاویان و بحث اولیه در مورد کتاب اعداد.

A. نقد و بررسی لاویان / پیش نمایش [3:53-0:00]

بیایید با یک کلمه دعا شروع کنیم و سپس برای امروز وارد کلاس می شویم: ای پدر، ما برای این روز از تو سپاسگزاریم. ما از شما برای یک روز زیبایی پاییزی در نیوانگلند تشکر می کنیم و متوجه می شویم که آسمانها جلال خدا را اعلام می کنند. ای خداوند، پروردگار ما، نام تو چقدر باشکوه است در تمام زمین. تو به ما چشم هایی داده ای که ببینیم، گوش هایی برای شنیدن، زبان هایی برای چشیدن و دست هایی برای رسیدگی به خلقت خود داشته باشید. ما فقط از شما برای خوبی و عظمت شما تشکر می کنیم. از شما برای عیسی مسیح و فداکاری بزرگی که او انجام داد و برای همه قربانی های عهد عتیق که منادی مسیح بودند، متشکریم که به مسیح اشاره می کرد، قربانی بزرگ برای همه دوران. پس از تو سپاسگزاریم که آنقدر ما را دوست داشتی که پسر را بفرستی. ما دعا می کنیم که شما حتی امروز به ما کمک کنید تا راه او را طی کنیم. به نام گرانبهای او دعا می کنیم، آمین. بیایید به جایی برگردیم که دفعه قبل بودیم. ما امروز لاویان را تمام می کنیم و به کتاب اعداد می پردازیم، و بنابراین جزئیات زیادی برای کار در لاویان داریم. ما امروز دو کار را در لاویان انجام خواهیم داد. یکی فداکاری ها خواهد بود. من به شما یاد می دهم که چگونه کشیش باشید و چگونه قربانی های کشیشی را انجام دهید. سپس نکته دیگر این است که پس از انجام این نوع مطالب واقعا سنگین کشیش، در مورد اعیاد اسرائیل صحبت خواهیم کرد. اعیاد اسرائیل زمان جشن بود. بنابراین، بیایید با فداکاری ها شروع کنیم. یکی از سوالاتی که با نزدیک شدن به کتاب لاویان مطرح می شود این است که همه این قربانی ها وجود دارد. تعجب می کنید، "چرا انواع مختلفی از قربانی ها وجود دارد؟" بنابراین من می خواهم انواع مختلف قربانی ها را توضیح دهم و آن را در زمینه جنبه های مختلف گناه قرار دهم. بنابراین من می خواهم از طریق این جنبه های مختلف گناه که مطرح می شود را مرور کنم. معمولاً وقتی مردم به گناه فکر می کنند، فکر می کنند که این یک نوع مفهوم واحد است. به عبارت دیگر، گناه گناه است، و فقط شما کار اشتباهی انجام داده اید و تمام. اما در واقع گناه پیچیده ای از چیزها است، و بنابراین ما می خواهیم به آن نگاه کنیم.

B. جنبه های مختلف گناه: خشم/کفارت [5:19-3:54]

اولین کاری که گناه انجام می دهد، و ما این را در کتاب اعداد می بینیم که بعداً به آن خواهیم پرداخت، این است که وقتی مردم گناه می کنند، خدا با خشم پاسخ می دهد. در کتاب اعداد، به یاد می آورید، وقتی آنها در بیابان سرگردان هستند، خدا به عنوان پاسخی به گناه خشمگین می شود. چگونه عصبانیت را کنترل می کنید؟ استمالت وجود دارد. استمالت چیست؟ برخی از شما می دانید که استمالت چیست. در مورد من، من کاری کردم که می

دانستم پدرم از آن بسیار عصبانی خواهد شد، بنابراین من داوطلبانه و به تنهایی بدون اینکه او بخواهد، چمن را بریدم تا وقتی به خانه رسید، ببیند که چمن بریده شده است و او به طور مطلوب تنظیم می شود. من به خانه می آیم، همسرم به خاطر چیزی از دست من عصبانی است، و بنابراین من کاری کردم که اشتباه بود، آیا گل می خرم؟ آیا گل ها به نوعی آن را می پوشانند؟ گاهی اوقات، بله. آیا گل ها می توانند نتیجه معکوس داشته باشند؟ اگر گل ها حامی باشند، گل ها کار نمی کنند. بنابراین باید مراقب گل ها باشید - آنها می توانند به هر دو طرف بروند. چیزی که من می گویم این است که شما کار خوبی انجام می دهید تا سعی کنید خشم آنها را آرام کنید. بنابراین خشم به خشم خدا مربوط می شود که باید آرام شود یا آرام شود. باز هم بیشتر در مورد خشم صحبت خواهیم کرد فرهنگ ما به هیچ وجه خشم را درک نمی کند.

ج. جنبه های گناه: آلودگی/تصفیه [6:04-5:20]

گناه باعث آلودگی می شود. طبیعت ناپاک گناه وجود دارد که باعث آلودگی می شود. آیا هیچ یک از شما تا به حال در محیطی بوده اید که آنقدر گناه آلود باشد که از نظر جسمی احساس کثیف بودن کرده اید؟ من گاهی اوقات در چنین محیط هایی بوده ام که واقعا احساس کثیف بودن می کنید. این ایده آلودگی است - شما آلودگی و کثافت گناه را احساس می کنید. بنابراین نیاز به تطهیر وجود دارد. بسیاری از اوقات تطهیر در کتاب مقدس با چه ماده ای انجام می شود؟ آب. آنها از آب برای تصفیه استفاده می کنند. بنابراین از آلودگی گناه نیاز به تطهیر/پاکسازی وجود دارد.

د. جنبه های گناه: گناه/شرم/کفاره [7:11-6:05]

اکنون گناه و شرم وجود دارد. آیا هیچ یک از شما تا به حال کار اشتباهی انجام داده اید و ما قبلا این سنت را داشتیم که اساسا به اتاق خواب خود می دوید، در تخت خود شیرجه می زنید، پتو و بالش را روی سرتان می کشید و امیدوار هستید که گرفتار نشوید. این ایده نیاز به پوششی برای شرم و گناه است. به هر حال، آیا ما در یک فرهنگ بدون شرم زندگی می کنیم؟ هیچ چیز ما را شرمند نمی کند، اما در آن روزها، شرم واقعا چیز بزرگی بود. برای شرمندگی چه می کنید؟ شما برای آن کفاره می دهید. "کفاره" به چه معناست؟ "کفاره" به این معنی است که شما پوششی برای شرم فراهم می کنید. بنابراین، آدم و حوا در باغ گناه می کنند. آیا احساس شرمندگی می کنند؟ پس آنها با خودشان چه می کنند؟ آنها خود را می پوشانند. آنها در بوته ها پنهان می شوند. نیاز به پوشش وجود دارد. این پوشش "کفاره" نامیده می شود. نیاز به پوشاندن شرم و گناه وجود دارد.

E. جنبه های گناه: آسیب/جبران [9:58-7:12]

آیا گناه واقعا به دیگران آسیب می رساند؟ کسی چیزی را می دزدد، آیا واقعا به شخص دیگری آسیب می رساند؟ دزدیدن چیزی در واقع به شخص دیگری آسیب می رساند. بنابراین غرامت وقتی چیزی را می دزدید و گرفتار می شوید باید آن را پس بدهید. شما باید آن را در مضرب چهار بازپرداخت کنید. شما باید چهار برابر آنچه گرفته اید را پس بدهید. پس این جبران خسارت است. به هر حال، آیا فرهنگ ما به خوبی با جبران خسارت

برخورد می کند؟ یک شخص مرتکب جرم می شود. آیا آنها باید غرامت بپردازند یا فقط آنها را به زندان بیندازیم؟ ما آنها را به زندان می اندازیم. شخصی به شخص دیگری تجاوز می کند و به او آسیب می رساند، اما آیا هرگز مجبور است به شخصی که آسیب دیده است غرامت بپردازد؟ بیشتر، نه، در فرهنگ ما. در آنجا فرد باید با شخصی که قربانی شده است روبرو شود، باید جبران خسارت کند. در فرهنگ ما، ما فقط آنها را حبس می کنیم و قربانی در نهایت مجبور می شود از خود دفاع کند. بنابراین، این ایده جبران خسارت است. آسیب وارد می شود، گناه به شخص آسیب می رساند. جبران خسارت این است که شما باید در واقع سعی کنید کاری را که انجام داده اید اصلاح کنید. بنابراین، برای مثال، کسی در فرهنگ ما کار اشتباهی انجام می دهد. آیا هیچ یک از شما بچه ها تا به حال دیده اید که کجا باید ساعت های زیادی خدمات اجتماعی انجام دهند. به عبارت دیگر، آنها جامعه را نقض کردند، بنابراین قاضی می گوید: "شما باید 40 ساعت خدمات اجتماعی انجام دهید." آیا چیز خوبی در این مورد وجود دارد؟ فرد در واقع می تواند برای جبران خسارتی که وارد کرده است کار کند. پس این مفهوم جبران خسارت است. ای کاش فرهنگ ما بیشتر از این مفهوم جبران خسارت برخوردار بود. من فکر می کنم در واقع به بسیاری از افرادی که به دیگران تجاوز کرده اند کمک می کند، اگر واقعا مجبور به جبران خسارت باشند.

[سوال/دانشجو] توهین پاسخی به خشم و تلاش برای فرونشاندن خشم خدا است. بنابراین استمالت یک نوع مماشات است. در مورد من، من برای همسرم گل می خرم و از او می خواهم که برای شام بیرون برود. من سعی می کنم آن را به خاطر کاری که اشتباه کرده ام جبران کنم. بنابراین من سعی می کنم خشم او را که انتظار دارم آرام کنم. جبران خسارت این است که او این چیز بسیار خاص را دارد و من فقط آن را شکستم. غرامت چه خواهد بود؟ من برایش یک مورد جدید می گیرم و امیدوارم که شاید حتی متوجه نشود. اما می دانید که من چه می گویم، مماشات چه خواهد بود؟ من آن را شکستم، او عصبانی خواهد شد، و من سعی می کنم خشمش را فرو نشاندم. غرامت این است که "هی، من برایت یک مورد جدید می گیرم." بنابراین این تفاوت بین این دو خواهد بود. نکته خوبی است.

و. جنبه های گناه: عشای ربانی شکسته/اعتراف [12:00-9:59]

عشای ربانی شکسته شده است. گناه ارتباط بین مردم را از بین می برد. شخصی که در مورد شخص دیگری دروغ می گوید، در مورد شخص دیگری غیبت می کند، ارتباط با مردم را قطع می کند. بنابراین جامعه با گناه آسیب می بیند. چگونه جامعه را بازیابی می کنید؟ این کار از طریق اعتراف انجام می شود. به هر حال، آیا به یاد دارید که در عهد جدید آمده است که "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببخشد؟" گناهان باید در جامعه اعتراف کنند. سپس ترمیم وجود دارد. آیا هیچ یک از شما در کلیسایی بوده اید که در آن گناه بدی در کلیسا رخ داده است، و کلیسا دور هم جمع می شود، آن شخص به گناهش اعتراف می کند، و کلیسا دور او جمع می شود و او را احیا می کند؟ این فرآیند ترمیم است. اینها فرآیندهای واقعا مهمی هستند: اعتراف به گناه و بازیابی. پس همه این جنبه های گناه وجود دارد. حال، آیا جنبه های مختلفی از فداکاری

ها وجود دارد که با این چیزها سروکار دارد؟ بنابراین فداکاری ها برای کار با برخی از این مفاهیم در اینجا تنظیم می شوند. اینگونه است که ما فداکاری های خود را انجام می دهیم. اول از همه اهمیت خون است. عبرانیان 9: 22 می گوید، "بدون ریختن خون، آمرزش گناه وجود ندارد." در نهایت، خون چه کسی برای آمرزش گناه ریخته می شود؟ خون عیسی. بنابراین عیسی می میرد. آیا مسیحیت به یک معنا یک دین خونین است؟ خیلی همینطور است. از طریق خون مسیح است که ما کامل شده ایم، پاک می شویم. به هر حال، آیا کنایه را در آنجا درک می کنید؟ با خون مسیح پاک می شویم. آیا خون معمولاً یک عامل پاک کننده است؟ معمولاً رنگ آمیزی خون است، اما در اینجا از خون برای پاکسازی استفاده می شود. "بدون ریختن خون، آمرزش گناهان وجود ندارد" در عهد جدید. در عهد عتیق یهودیان اجازه نداشتند خون بنوشند. آنها باید قبل از خوردن گوشت خون حیوان را تخلیه می کردند. بنابراین خون به طور خاص در عهد عتیق مجاز شده است، در کتاب لاویان در اینجا، آنها اجازه ندارند خون بخورند.

ز. پنج نوع قربانی: قربانی های سوختنی کامل [13:24-12:01]

حالا، فداکاری ها چگونه بودند؟ من می خواهم اساساً به پنج مورد از این فداکاری ها بپردازم که انواع اصلی آنها هستند. پنج نوع قربانی مختلف و اینها از فصل های اولیه کتاب لاویان است. اولین قربانی ما کل قربانی سوختنی است و این یکی واقعاً پیچیده است. چه چیزی در کل قربانی سوختنی می سوزد؟ همه چیز می سوزد. بنابراین، همه چیز می سوزد، و به همین دلیل است که به آن "کل قربانی سوختنی" می گویند. آیا این گران ترین قربانی خواهد بود؟ بله. قربانی چه زمانی اهدا شد؟ عصر و صبح داده می شد. بنابراین صبح آنها یک قربانی سوختنی کامل انجام می دادند و عصر، یک قربانی سوختنی کامل انجام می دادند. کل حیوان می سوزاند. این گران ترین فداکاری است. این چیز کاملاً به خدا اختصاص داده شده است زیرا کل حیوان سوخته است - کاملاً وقف خدا.

H. پیشنهاد گناه / تصفیه [16:18-13:25]

حال، نوع دیگری از قربانی که در لاویان رخ می دهد، فصل 4، چیزی است که "گناه" یا "قربانی تطهیر" نامیده می شود. ترجمه های مختلف کتاب مقدس شما این هدایای شما را متفاوت ترجمه می کند، اما در واقع یک چیز هستند: گناه و قربانی تطهیر. در این پیشنهاد، وضعیت فرد برای چیزی به حساب می آید. بنابراین اگر کشیش هستید، باید یک گاو نر یا یک حیوان بزرگ تقدیم کنید. اگر رهبر جامعه هستید، چیز بیشتری ارائه می دهید. اگر شما یک فرد معمولی هستید، یک گوسفند یا بز را پیشنهاد می کنید. بنابراین اگر کشیش هستید، باید چیزهای بیشتری ارائه دهید. اگر یک فرد عادی هستید، به سادگی یک گوسفند یا یک بز را برای خود پیشنهاد می کنید. چیزی که در مورد این فداکاری بسیار جالب است این است که اگر فقیر هستید، می توانید دو کیلوتر لاک پشت را تقدیم کنید. حالا، این مرا به عهد جدید می رساند. به کتاب لاویان فکر کنید. مریم عیسی را به عنوان یک پسر دارد. او عیسی را به دنیا می آورد. آیا مریم نجس است؟ آیا زن پس از زایمان نجس است؟ 33 یا 66 روز. پس از پایان دوره ناپاکی او، آیا باید بیاید و قربانی تطهیر کند؟ بله. وقتی یوسف و مریم برای تطهیر می آیند،

مریم چه چیزی را در عهد جدید ارائه می دهد؟ آیا کسی آن را به یاد دارد؟ دو کبوتر لاک پشت. این در مورد موقعیت آنها در آن فرهنگ به ما چه می گوید؟ آیا عیسی در یک خانواده متوسط بزرگ شد یا عیسی در یک خانواده فقیر بزرگ شد؟ دو کبوتر لاک پشت به ما می گویند که عیسی ثروتمند نبود. شما می گویند، "خوب، نجاران دستمزد اتحادیه خوبی می گیرند!" این فقط در بوستون است. عیسی در خانواده ای فقیر بزرگ شد. مری دو کبوتر لاک پشت را پیشنهاد می کند. این به ما می گوید که آنها اصلا افرادی با موقعیت بالا نبودند و احتمالا بیشتر برعکس آن است. هر زمان که نیاز به تطهیر باشد، این نوع قربانی ها را تقدیم می کنند. چیز دیگری که در مورد این یکی مهم است این است که کشیش باید مقداری از این را بخورد. آنها قسمت های خاصی از حیوان را در برابر خداوند تکان می دادند و خودشان می توانستند مقداری از آن را بخورند. به هر حال، در این قربانی ها، آیا خدا کشیشی او را فراهم می کرد؟ آیا کشیش واقعا از این قربانی ها غذا می گرفت؟ بله. بنابراین، خدا از کشیشی مراقبت می کند زیرا کاهنان زمین زیادی نخواهند داشت. کشیش ها مزرعه و ارث زمین نداشتند. آنها شهرهای لاوی را گرفتند اما مانند سایر مردم کشاورزی زیادی انجام ندادند. بنابراین وقتی قربانی ها را می آوردند، کاهنان می توانستند بخشی از قربانی ها را بخورند.

I. پیشنهاد جبران خسارت [18:21-16:19]

اکنون، قربانی بعدی به روش های مختلف در ترجمه های مختلف ترجمه می شود: قربانی جبران خسارت. من این را بیشتر دوست دارم و آن را پیشنهاد جبران می نامم، اما تقریبا هیچ ترجمه ای آن را اینگونه ترجمه نمی کند. وقتی قربانی غرامت را می بینید، هدف از این قربانی چیست؟ جبران خسارت. قبل از اینکه این یکی را پیشنهاد دهید، فرض کنید گوسفند یا بز کسی را دزدیده اید. قبل از اینکه این یکی را ارائه دهید، باید چهار برابر آنچه دزدیده اید به آن شخص بازپرداخت کنید. بنابراین شما باید قبل از اینکه این یکی را برای برخی از تخلفات پیشنهاد دهید، جبران کنید. همچنین "قربانی تجاوز" یا "قربانی گناه" ترجمه شده است. بنابراین این سه نام هستند - معمولا توسط یکی از اینها ترجمه می شوند. من "جبران خسارت" را دوست دارم زیرا در واقع بیشتر می گوید که عملکرد واقعی این پیشنهاد چیست. بنابراین برای جبران خسارت، برای بازپرداخت است. این دو [جبران و تطهیر] تقریبا دقیقا به یک روش انجام می شوند. به عبارت دیگر، بخشی از حیوان سوزانده می شود و بخشی دیگر را کشیش می خورد. بنابراین در هر دوی اینها، بخشی از حیوان سوزانده می شود، در برابر خداوند تکان می خورد، و قسمت دیگر کشیش می تواند بخورد. حالا، فرض کنید شما یک کشیش هستید و کسی را می بینید که با یک گوسفند یا بز می آید، کدام قربانی را می خواهید؟ آیا کل قربانی سوختنی را می خواهید یا یکی از اینها را می خواهید؟ کل قربانی سوخته، آیا می توانید چیزی از آن را بخورید؟ نه. با یکی از اینها، آیا می توانید مقداری بخورید؟ بله. آیا این مشکلی برای کشیش هایی است که وقتی مردم شروع به آمدن می کنند، دراز کشیده اند، وقتی می بینند قربانی ها می آیند، دهان آنها شروع به آبریزش می کند. در واقع، ما می خواهیم این مرد به نام الی و ساموئل را ببینیم. شما بچه های الی را خواهید دید که گوشت قربانی ها را پاره می کنند. حالا، به هر

حال، آیا این واقعا خیلی بد است که قربانی خدا را پاره می کنید؟ بنابراین برای بچه های الی، برای آنها خیلی خوب پیش نمی رود. آیا مشکل را می بینید؟ این نوع قربانی ها، آنها می توانند مقداری بخورند، در حالی که با کل قربانی سوختنی این کار را نکردند. بنابراین آنها شروع به امید جبران یا قربانی تطهیر می کنند.

J. پیشنهاد کمک هزینه تحصیلی: اراده آزاد، نذر و شکرگزاری [19:56-18:22]

حالا، یکی دیگر، و این هدیه مشارکت است یا به آن "شالوم" می گویند، قربانی صلح. صلح در زبان عبری "شالوم" است. بنابراین به آن هدیه کمک مالی یا قربانی صلح می گویند. سه روش مختلف برای اجرای این یکی وجود دارد. این کار را می توان فقط برای یک اراده آزاد ارائه. به عبارت دیگر، شما فقط می توانید هدیه ای به خدا بیاورید زیرا می خواهید هدیه ای به خدا بیاورید. به هر حال، آیا کسی از شما در مورد پیشنهاد اراده آزاد شنیده اید؟ این پس زمینه آن است. این فقط انجام شده است، نه از روی تعهد یا مسئولیت، فقط شما انتخاب می کنید و یک اراده آزاد به خداوند ارائه می دهید. این یکی برای تکمیل نذر نیز استفاده می شود. امروز می خواهیم به عهد نذیران نگاه کنیم. وقتی نذری را تکمیل می کنید، این رفاقت یا قربانی صلح را انجام می دهید و به این ترتیب عهد را به پایان می رسانید. شما برای خداوند قربانی می کنید. گاهی اوقات می توانید این کار را به عنوان یک توده به عنوان یک شکرگزاری، فقط برای "شکرگزاری از خداوند، زیرا او خوب است، زیرا رحمت او تا ابد باقی می ماند". او همیشه تحمل می کند و هدیه شکرگزاری را به دنبال دارد. بنابراین این قربانی صلح به این سه دلیل انجام می شود. اما چیزی که واقعا با این یکی شسته و رفته است این است که حدس بزنید چه کسی می تواند این یکی را بخورد؟ به آن "هدیه کمک مالی" می گویند. این بدان معناست که افرادی که حیوان را می آورند نیز می توانند مقداری از این را بخورند. بنابراین خود مردم می توانند این یکی را بخورند. بنابراین این یکی را با خانواده و کشیش ها با هم می خورید. این یک وعده غذایی جمعی خواهد بود، به همین دلیل است که آنها آن را "هدیه همنشینی" می نامند، زیرا همه می توانند بخشی از آن را بخورند.

K. عرضه غلات [21:57-19:57]

بنابراین اینها هدیه های اصلی در اسرائیل با حیوانات هستند و سپس یکی دیگر وجود دارد. من دوست ندارم این یکی را "هدیه غلات" بنامم زیرا وقتی می گویم "تقدیم غلات"، چه چیزی در ذهن شما می گذرد؟ ناگهان شما Cheerios را از سر خود می گذرانید یا Post Toasties یا هر چیز دیگری. در واقع "غلات" چیست؟ دانه. بنابراین به آن "هدیه غلات" می گویند. آیا کسی دو نوع غله ای را که اسرائیل داشت به یاد می آورد؟ گندم یک خواهد بود. آیا کسی دیگری را به یاد می آورد؟ جو. بله، درست است. گندم و جو دو دانه ای هستند که در اسرائیل کشت می شوند. بنابراین شما این گندم و جو را ارائه می دهید. آیا این قربانی با خون بود؟ نه. این یک هدیه گندم و جو بود. این کار را می توان با روغن و نمک اما بدون مخمر انجام داد. به نظر می رسد چیزی با مخمر وجود دارد که نان را بالا می برد که غیرقابل قبول است. مخمر وجود ندارد، اما می تواند نمک داشته باشد و می تواند روغن داشته باشد. وقتی می گویم نفت، منظورمان چیست؟ روغن زیتون. بنابراین می توانید روغن زیتون را با

دانه بریزید و آن را مخلوط کنید و از آنجا بالا بروید. پس اینها پیشنهادات متفاوتی هستند. بله، در محیط بخور وجود دارد و شما می توانید پیشنهاد دهید - در واقع یک بخور دهنده وجود دارد. خدا بخور خاصی درست کرده بود. جنبه های مختلفی از آن وجود دارد. کاهنان بخور مخصوصی داشتند که روی محراب بخور می سوزانیدند. خدا فرمول آن را مشخص کرد، بنابراین وقتی وارد خیمه می شوید بو یا عطر خاصی وجود داشت که برای کاهنان مشخص شده بود. اما یک محراب بخور نیز وجود داشت و شما می توانستید در آن منطقه بخور بسوزانید، اما مانند بقیه اینها نیست که چیزهای فداکارانه تری باشند.

L. اعیاد اسرائیل: 2 فصل [26:08-21:58]

ببایید از فداکاری ها حرکت کنیم. ما تمام فداکاری ها را انجام داده ایم و این بخش سخت است. حالا ببایید به اعیاد نگاه کنیم. آیا مردم یهود جشن می گیرند؟ بله، آنها انجام می دهند. آیا می دانید که تنها مردی که در زندان بود و اعراب او را ربوده بودند، یک سرباز یهودی بود که پنج سال است که در زندان به سر می برد. او امروز آزاد شد. بنابراین مردم یهود امروز آزادی او را جشن خواهند گرفت. این یک معامله بزرگ در اسرائیل حتی تا به امروز است. بنابراین فلسفه فصول وجود دارد. بگذارید فقط فصول را توصیف کنم. آیا در نیوانگلند چهار فصل در سال داریم؟ برخی از مردم فکر می کنند که واقعا ما فقط تابستان و زمستان داریم. اما در واقع چیزی که در حال حاضر می بینید پاییز است. آیا برخی از شما در پاییز به نیوهمپشایر رفته اید و کوه های پوشیده از درختان تغییر برگ و زیبایی آن را دیده اید؟ اگر در پاییز فرصتی پیدا کردید، به من گفته شده است که امسال باد برگ های درختان را می وزد. نیوهمپشایر برای دیدن درختان در رنگ های پاییزی کاملاً زرق و برق دار است. بنابراین ما پاییز داریم، تابستان داریم و زمستان داریم. آیا زمستان ها در نیوانگلند بزرگ هستند؟ سپس بهار می گیریم. و بهار زمان زنده شدن است. بنابراین ما چهار فصل در سال داریم. حالا چیزی که می خواهم تصور کنید - آیا کسی از کالیفرنیا اینجا است؟ بله. آب و هوا در اسرائیل شبیه کالیفرنیا است، حداقل به من گفته شده است که آنها دو فصل در سال در اسرائیل دارند. برای تابستان، حدود چهار یا پنج ماه خشک مطلق خواهید داشت. هر روز دقیقاً یکسان است. بنابراین وقتی برای دریافت پیش بینی آب و هوا می روید، این پیش بینی آب و هوا در تابستان در اسرائیل است: "همان"، "همان"، "همان". فقط همینطور ادامه می یابد زیرا هر روز بیرون می روید، آفتابی است. صبح از خنک شروع می شود. روز گرم می شود و بعد عصر چه اتفاقی می افتد؟ دوباره خنک می شود. شب ها تقریباً سرد می شود. و سپس روز بعد شروع می شود - صبح خنک و روز گرم. بدون ابر، هر روز آفتابی است. چهار ماه کاملاً خشک. فصل تابستان است. این یکی از فصل های آنهاست. آنچه در زمستان اتفاق می افتد این است که فصل بارانی خود را می گیرند. بنابراین آنها چیزی را دارند که به آن باران های قبلی و باران های بعدی می گویند. باران های زودتر در سپتامبر، اکتبر، نوامبر خواهد بود - باران های زود هنگام. سپس آنها باران های دیرتر را در بهار دریافت می کنند. و بنابراین آنها باران های زود و دیرتر را دارند. آنها یک فصل بارانی و یک فصل خشک دارند. آیا این بر چیزهایی تأثیر می گذارد که آنها فقط دو فصل اصلی مانند آن

دارند؟ بنابراین در بهار، آنها اساساً گندم و جو خود را در برداشت بهار دریافت می کنند. آیا گندم و جو می توانند تابستان را بدون چهار ماه بدون باران پشت سر بگذارند؟ نه، آنها نمی توانند موفق شوند. بنابراین گندم و جو، از فصل بارندگی خارج می شوند و علف های شما رشد می کنند. سپس، اساساً، شما این را دریافت می کنید. اگر زمانی به اسرائیل رفتید، سعی کنید در بهار بروید، اگر انتخابی دارید. شما در بهار می روید زیرا از فصل بارانی خارج می شوید، چه اتفاقی برای بیابان می افتد؟ شما بیابانی دارید که تماماً قهوه ای است و شبیه بیابان است، و سپس ناگهان، باران به بیابان می بارد و چه اتفاقی خواهد افتاد؟ همه علف ها رشد می کنند و این گل های کوچک کروکوس بیابان را با گل پوشانده اند و کاملاً زرق و برق دار خواهد بود. کوه ها را می بینید که پوشیده از این گل ها و سبز هستند. مشکل چیست؟ چقدر طول می کشد؟ چند هفته طول می کشد و بعد چه اتفاقی می افتد؟ باد خشک، گرم و تابستانی می آید و در عرض چند روز با آن علف ها چه می کند؟ فقط آنها را قهوه ای می کند، و سپس ناگهان همه چیز به قهوه ای برمی گردد. سپس برای بقیه تابستان قهوه ای می شوید. اما برای حدود دو هفته در بهار، کاملاً زرق و برق دار است. بنابراین در ماه آوریل اغلب اوقات، بودن در آنجا زیبا است. صحرا به اصطلاح مانند گل رز شکوفا می شود. سپس ناگهان همه چیز پژمرده می شود و می میرد و تابستان فرا می رسد.

مهدی عید فصیح [27:19-26:09]

بنابراین گندم و جو در بهار کشت می شود. ما می خواهیم پنج جشن بزرگ اسرائیل را مرور کنیم، و این اعیاد جشن های برداشت محصول هستند. چه زمانی جشن می گیرید؟ شما بعد از برداشت محصولات جشن می گیرید. بنابراین، در بهار برداشت گندم و جو خواهد بود. تاریخ عید فصیح چیست؟ همه شما این را می دانید. در مسیحیت، ما در عید فصیح چه چیزی را جشن می گیریم؟ عید پاک. این عید پاک ماست. وقتی مسیح مرد و دوباره قیام کرد، آن زمان است که آنها عید فصیح را جشن می گیرند. بنابراین ما در مورد بهار صحبت می کنیم. عید فصیح جشن گرفته می شود – آنها چه می کنند؟ آنها یک بره دارند، یک بره عید فصیح، آنها گیاهان تلخ دارند، و چیز دیگر چیست؟ نان فطیر یا کراکر. بنابراین، اساساً، آن سه چیز در عید فصیح، برای شام عید فصیح، شام عید فصیح، و سپس هفت روز به خوردن نان فطیر می روند. هفت روز فقط نان فطیر می خوردم. نان فطیر به یاد می آورد که آنها باید به سرعت از مصر خارج شوند و وقت ندارند که بلند شود. این لاویان 23 است، در مورد عید فصیح و نان فطیر می گوید. حالا، این در اوایل بهار است. آنها برداشت گندم را در اوایل بهار آغاز می کنند.

N. جشن هفته ها [پنطیکاست] [29:26-27:20]

حالا، هفت هفت چیست؟ آیا کسی اینجا ریاضی می کند؟ هفت مربع... چهل و نه. به علاوه یک ... پنجاه. هفت هفت جشن هفته است. می بینید چرا آن را جشن هفته ها می نامند؟ هفت هفت است. هفت هفته است. یک هفته هفته. هفت ضربدر هفت - عید هفته. هفت هفت و یک روز اضافه شده به آن پنجاه می شود: پنطیکاست. وقتی می گویم "پنتا"، "پنتا" چیست؟ پنتا پنج مانند پنج ضلعی است. پس پنطیکاست چند روز پس از عید فصیح است؟ پنجاه روز بعد. بنابراین شما عید فصیح دارید و سپس هفت هفت به علاوه یک انجام می دهید. هفته های هفت

هفت است، و شما در نهایت به جمع یک می رسید، پنجاه نفر می گیرید، و این پنطیکاست می شود. پنته - پنج - هزینه. به هر حال، در عید فصح در عهد جدید چه اتفاقی می افتد؟ عیسی می میرد. شما شام خداوند را دارید و سپس عیسی از آن عبور می کند و او مصلوب می شود و سه روز بعد از مردگان برمی خیزند. در عید پنطیکاست در عهد جدید چه اتفاقی می افتد؟ اعمال رسولان فصل 2. "روح پایین می آید." به هر حال، آیا ما حتی کلیساهایی داریم که به همین نام نامگذاری شده اند؟ شما چیزی را دارید که قبلاً جنبش پنطیکاستی نامیده می شد. آیا کسی به کلیساهای پنطیکاستی می رود؟ کلیساهای پنطیکاستی وجود دارند - اینجاست که می آید. به هر حال، متن خاصی برای آنها چیست؟ اعمال رسولان فصل 2 در مورد نازل شدن روح، صحبت کردن به زبانها و چیزهایی از این قبیل است. بنابراین کلیساهای پنطیکاستی بر این اساس در اعمال رسولان فصل 2 استوار شده اند.

حالا، این عید فصح و عید هفته است. این چه خواهد بود؟ اوایل - چه می گوئیم - آوریل؟ این یکی پنجاه روز بعد خواهد بود - ما در ماه ژوئن هستیم. سپس، معمولاً چیزی شبیه به ماه ژوئن برداشت گندم و جو به پایان می رسد.

O. جمع آوری [27:29-31]

جمع آوری چیست؟ وقتی برای برداشت گندم و جو بیرون می روید، مقداری ذخایر وجود خواهد داشت. درست مانند چمن با سهام، که سر روی آن است. سر در سر گندم و جو خواهد بود. شما داس می گیرید، می دانید داس چیست - می دانید که علامت کمونیستی داس است. شما یک مشت از این ساقه ها را می گیرید و آن را خرد می کنید. یک مشت بردارید، آن را خرد کنید. آن را خرد کنید، خرد کنید. بنابراین شما این کار را با دست انجام می دهید. آیا انجام این کار با تراکتور John Deere خیلی بهتر است؟ آنها تراکتور جان دیر را نداشتند، بنابراین می خواهند آن را با دست خرد کنند. حالا، همانطور که آنها آن را با دست خرد می کنند، آیا مقداری از آن غلات روی زمین می افتد؟ بسیاری از آن ها این کار را نمی کنند، اما برخی از آنها این کار را خواهند کرد. آیا آنها اجازه داشتند غلات را از زمین بردارند؟ نه. آنها مجبور بودند آنجا را ترک کنند - اگر غلات را خرد می کردند، ساقه ها را خرد می کردند و مقداری از آن روی زمین می افتادند، مجبور بودند آن را همانجا بگذارند زیرا فقرا به دنبال دروگرها می رفتند و جمع می کردند. آیا فقرا باید کار می کردند و غلات اضافی را که پشت سر گذاشته بودند جمع می کردند؟ آنها همچنین وقتی تراکتورهای جان دیر خود را بیرون می کشیدند و مزارع خود را انجام می دادند، باید لبه های گوشه های مزارع خود را دور می زدند. به عبارت دیگر، آنها اجازه نداشتند تا گوشه ها درو کنند. گوشه های مزارع باید گرد می شد. چه کسی قسمت های گرد مزرعه را برداشت می کند؟ فقرا. بنابراین، می بینید، این روش اسرائیل برای کمک به مراقبت از فقرا بود. راستی، آیا فقرا باید بیرون می رفتند و برای این غلات کار می کردند؟ اینطور نبود که آنها فقط آن را به آنها تحویل داده باشند. آنها باید با دروگرها بیرون می رفتند و دروگرها را دنبال می کردند و کار می کردند. آنها باید به گوشه و کنار مزرعه می رفتند و باید آن گوشه های مزارع را برداشت می کردند. بنابراین به این "جمع کردن" می گویند. وقتی وارد کتاب روت می شویم، می بینیم که روت یک ماشین جمع آوری است. او یک کارگر است و بیرون می رود و مزارع را به دنبال

دروگران جمع می کند. خب این در بهار است. بهار چه چیزی را برداشت می کند؟ گندم و جو. اینها علف های شما هستند که در حال رشد هستند.

P. برداشت پاییزی [34:57-31:24]

اکنون، چهار ماه بدون باران می گذرد. وقتی گیاهان آب ندارند، چه می کنند؟ سعی کردم این را به همسرم بگویم. برخی از افراد انگشت شست سبز دارند - او انگشت شست قهوه ای دارد. هر گیاهی که در خانه خود داریم کشته می شود. شما باید گاهی اوقات آب را در آنها بریزید. چهار ماه بدون باران. حالا می پرسید، "گیاهان چگونه زندگی می کنند؟" هر روز صبح چه اتفاقی می افتد، شبنم می گیرند. چرا؟ شما بچه ها دریای مدیترانه هستید. دریای مدیترانه از این هوای گرم و مرطوب بیرون می آید. زمین تمام شب را داشت و چه اتفاقی برای دما افتاد؟ دما در شب کاهش می یابد. زمین خنک است، هوای گرم و مرطوب از اقیانوس، دریای مدیترانه وارد می شود. وقتی هوای گرم و مرطوب به زمین خنک برخورد می کند، چه کاری انجام می دهد؟ روی زمین متراکم می شود و باعث شبنم می شود. من در جاده ها بوده ام و شبنم آنقدر غلیظ بوده است که شبنم را دیده ام که به فاضلاب طوفان می رود. به عبارت دیگر، جمع آوری می کند. خیلی ضخیم است و پایین می رود. شبنم، بنابراین، نحوه زنده ماندن گیاهان در تابستان است. این رطوبت کمی است که آنها دریافت می کنند. حالا، چه نوع گیاهانی را برای پاییز پرورش دادند؟ چهار ماه چیزی جز آفتاب. به هر حال، انگور آفتاب را دوست دارد؟ صادقانه بگویم، امروز اسرائیل چه گیاهی را پرورش می دهد که بهترین گیاه در جهان است؟ چه نوع میوه ای خورشید را دوست دارد - آفتاب زیادی را دوست دارد، آفتاب جامد چهار یا پنج ماه متوالی؟ پرتقال. پرتقال هایی به اندازه گریپ فروت در آنجا دریافت می کنید. آنها بهترین هستند. قسم می خورم، ارزش سفر را دارد که فقط چند پرتقال یافا داشته باشید. پرتقال های آنها فوق العاده است زیرا پنج ماه است که آفتاب جامد دارند. بنابراین، در اینجا آنها انگور می کنند. انگور رشد می کند و باغبانی زیادی را با انگور و مراقبت از انگور انجام می دهد. به هر حال، آیا انگور در کتاب مقدس بسیار مورد اشاره قرار می گیرد؟ آیا دیده ایم که انگور چه چیزی تولید می کند؟ شراب، آب انگور و این نوع محصولات. انگورهای زیادی را در کتاب مقدس خواهیم دید. انجیر روی این درختان نخل خواهد بود. آنها این توده بزرگ انجیر را در حدود این وزن خواهند داشت، نمی دانم، چهل، پنجاه پوند - و این همه انجیر کوچک بیرون می آیند. انجیر واقعا شیرین است و کاری که با انجیر انجام می دهند این است که آنها را له می کنند و به مربای انجیر تبدیل می کنند. آنها اساسا آن را روی نان پخش می کنند. بنابراین انجیر چیزی است که واقعا شیرین است و آنها آن را از این درختان نخل جدا می کنند. آنها این تعداد زیادی انجیر خواهند داشت، آنها آن را خرد می کنند. شیرینی انجیر را روی لثه نوزادان و دهان نوزاد را برای شیرینی می گذارند. بنابراین انجیر آنجا خواهد بود. آنها با زیتون کارهای زیادی انجام می دهند. آیا مردم آنجا زیتون زیادی می خورند؟ من نمی توانم زیتون را تحمل کنم، بنابراین آن را خیلی خوب درست نکردم. روغن زیتون - من عاشق غذاهای پخته شده با روغن زیتون هستم. آنها کارهای زیادی انجام خواهند داد. آنها زیتون را خرد می کنند، از آن روغن درست می

کنند و روغن زیتون یکی از محصولات اصلی آنها خواهد بود. هر زمان که روغن را در کتاب مقدس می بینید، ما به روغن زیتون اشاره می کنیم. این یک عنصر اصلی برای آنها است. آنها آن را به سراسر جهان خواهند فرستاد. انجیر، زیتون و انگور اینها همان چیزی هستند که در تمام پاییز برداشت می کنند. این زمانی است که آنها در پاییز برداشت می کنند - معمولا سپتامبر، اکتبر-ایش.

س. جشن شیپورها [36:28-34:58]

در پاییز، آنها جشن ترومپت خواهند داشت. به این می گویند "روش حسنه." روش به معنای "سر سال" است، بنابراین آغاز سال از سپتامبر آغاز می شود. آنها چند روش مختلف دارند که سال های خود را محاسبه می کنند. حالا وقتی می گویم ترومپت، مشکل چیست؟ شما به یک ترومپت فکر می کنید، به چه چیزی فکر می کنید؟ یک ترومپت برنجی که نت می نوازد، تا دا تا دا، از این قبیل چیزها. وقتی می گویند شیپور، یک شوفار است که شاخ قوچ است. به این شکل بیرون می آید، و به نوعی یک چیز دایره ای خواهد بود. آنها تقریبا به این بزرگی هستند. آنها برای یک کودک حدود 125 دلار هزینه دارند. شما بزرگان را با چرخش های دوگانه دریافت می کنید. آنها حدود 250 دلار خواهند بود، من برای ترومپت باخ خود کمتر پرداخت کردم، زمانی که ترومپت می زدم. به هر حال، روی این شاخ های قوچ، آیا می توانید با شاخ قوچ آهنگی بنوازید؟ همه چیز این صدای "BRAAAHH" خواهد بود. این مانند یک ترومپت مانند شما بچه ها نیست، نوعی قصیده یا چیزی روی ترومپت شما. این فقط خواهد بود - آنها این صدای بزرگ "BRAAAHH" را از این شوفار بیرون می آورند. این فقط دمیدن شاخ این قوچ خواهد بود. اگر تا به حال به اسرائیل رسیدید و بخواهید چیز جالبی بگیرید، شوفار واقعا خوب است. ای کاش پول تهیه آن را داشتم، اما آنها بسیار گران هستند. این شاخ قوچ، هنوز هم آنها را تا به امروز دارند. در پاییز سال، شروع سال، "BRAAAHH" - شیپور به صدا در می آید و آنها آن را جشن شیپورها می نامند. این آغاز سال نو است.

R. روز کفاره [39:29-36:29]

روز کفاره 10 روز بعد در این ماه اول خواهد بود. به آن می گویند یوم کیپور. حالا "یوم"، می دانید زیرا ما آن را در پیدایش 1 مطالعه کردیم. "یوم" چیست؟ پیدایش 1 - "روز". پس امروز روز است. یوم کیپور روز کفاره است. این مقدس ترین جشن یهودی است. این مقدس ترین و مقدس ترین است. این همان جایی است که تأمل آرامی در مورد زندگی وجود دارد. یک روز مقدس بسیار بسیار عالی. از بین تمام جشن ها، وقتی به گناهان خود فکر می کنید، این بسیار غم انگیز است. حالا واقعا در یوم کیپور چه اتفاقی می افتد؟ این لایوان 16 است. اساسا آنها دو بز دارند. آنها دو بز را بالا می آورند و آیا به یاد دارید که برای بز قرعه انداختند؟ بنابراین یک بز آزاد می شود و بز دیگر چیست؟ قربانی. آنها خون را می گیرند، بنابراین خون یک بز گرفته می شود. سالی یک بار، خون به صندلی رحمت می رود. به یاد دارید که ما صندوق عهد را داشتیم؟ صندوق عهد جعبه ای شبیه به این بود. در بالای جعبه این صندلی رحمت بود که دو کروی با بال هایشان روی آن را لمس می کردند.

بین فرشتگان کروب صندلی رحمت نامیده می شد و سالی یک بار خون این بز را که انتخاب شده بود می گرفتند و خون را روی تخت رحمت می گذاشتند. حالا، به هر حال، جوزفوس و برخی از بچه های بعدی به ما می گویند که کشیش ها ترسیده بودند زیرا وقتی شما آنجا هستید، اگر خون پذیرفته نشود، خدا می تواند شما را در جا بکشد. بنابراین کاری که آنها انجام دادند این بود که طنابی را دور کشیش بستند تا وقتی کشیش به قدس الاقداس رفت و خدا او را کشت، همه کشیش های دیگر مجبور نباشند وارد شوند و سعی کنند او را بیرون بکشند و کشته شوند. بنابراین آنها طنابی را دور او بستند که زنگ روی او بود، و سپس اگر آن مرد پایین بیاید، فقط او را با طناب بیرون می کشند. این یک سنت بعدی است. اما این روز بلند و مقدس است که خون را می گیرند و آن را روی تخت رحمت می گذارند. با بز دیگر چه اتفاقی می افتد؟ بز دیگر آزاد می شود. آیا تصاویر آنجا را می بینید؟ یک بز می میرد و خون ریخته می شود. بز دیگر آزاد می شود و آن بز سیر بلا است. بنابراین سیر بلا آزاد می شود، اما یکی برای آن می میرد. آیا می توانید ایده جایگزینی را در آنجا ببینید؟ این در واقع با عیسی مسیح بازی می کند که یک نفر می میرد و شخص دیگر آزاد می شود. پس این یک روز بلند و مقدس است. به هر حال، اگر می خواهید به یهودیان حمله کنید، چه روزی است که می خواهید به آنها حمله کنید؟ آیا کسی تا به حال نام جنگ یوم کیپور را شنیده است؟ این زمانی بود که به آنها حمله شد. حالا، این والاترین و مقدس ترین روز است. آیا برخی از یهودیان در این روز نمی جنگیدند؟ مشکل این است که اکثر یهودیان سکولار هستند، حداقل بسیاری از یهودیان در اسرائیل سکولار هستند. آیا آنها می جنگند؟ آنها خواهند جنگید، و بنابراین اتفاقی که افتاد این است که وقتی به آنها حمله شد، آنها حمله کردند و آنها را منفجر کردند. آنها در یوم کیپور مورد حمله قرار گرفتند و این فقط چیزی را به شما نشان می دهد.

S. جشن خیمه ها یا جشن غرفه ها [سوکوت] [44:26-39:30]

اکنون، جشن خیمه ها. این چیست؟ جشن خیمه ها زمانی است که آنها باید بیرون بروند و در چادرها زندگی کنند، همانطور که چهل سال در بیابان سرگردان بودند. بنابراین جشن خیمه ها یادآور سرگردانی بیابان در بیابان با خدا و سختی ها است - سختی های بیابان زمانی که با خدا چادر می زدند و از جایی به مکان دیگر حرکت می کردند. به آن می گویند سوکوت. سوکه نام این کلبه است. آنها باید این خیمه ها را بسازند و باید در این چادرها زندگی کنند. وقتی در اسرائیل بودم، دکتر پری فیلیپس، شوهر الین فیلیپس، و من به پایین رفتیم چون می خواستیم به Me'ah Shearim برویم. معاه شعاریم جایی است که یهودیان مذهبی واقعی در اورشلیم زندگی می کنند. آیا تا به حال یهودیان مذهبی واقعی را با کلاه سیاه و q مجعد سیاه دیده اید؟ آنها همیشه در اطراف "شما اسرائیل" قدم می زنند و اینگونه می پرند. بنابراین ما می خواستیم پایین برویم تا ببینیم یهودیان ارتدکس چگونه با این سوکاها جشن می گیرند و ببینیم چگونه این چادرها را می سازند. بنابراین ما به Me'ah Shearim رفتیم و متوجه شدیم که همه این زنان در میله های بیرونی این مکان آویزان هستند و ما این موسیقی را شنیدیم. بنابراین ما راه رفتیم - و اتفاقاً آیا یهودیان مردان و زنان را از هم جدا می کنند؟ بله. بنابراین زنان اجازه ورود نداشتند، و

اتاقی بزرگتر از این اتاق بود، و این مرد آنجا بود که روی کلارینت ناله می کرد. بنابراین او این موسیقی را ناله می کند، و نمی دانم، حدود 200 نفر در این اتاق هستند، با دستانشان روی شانه هایشان می پرند و به اطراف می پرند. بنابراین من و پری فکر می کنیم، "هی، می دانید، ما مرد هستیم، اشکالی ندارد. ما یهودی نیستیم، اما به هر حال، وقتی شما یهودی نیستید، آیا باید کیپا روی سرتان بپوشید؟ بنابراین، بدیهی است که شما به من نگاه کنید، من یهودی نیستم. بنابراین ما یک کیپا گرفتیم، یک کیپا روی سرمان گذاشتیم و به این اتاق رفتیم. خوب، چیزی که آنها به شما نمی گویند این است که این مانند یک بازی فوتبال بدون قانون است. این بچه ها شروع به بالا آمدن می کنند و شروع به کوبیدن دنده های شما می کنند. شما به آنجا می روید و فکر می کنید که این مانند یک چیز اجتماعی است، شما با آنها هستید. ناگهان، بام! ضربه می خورید. سپس BAM از طرف دیگر ضربه می خورید. من پسر بسیار بزرگی هستم، بنابراین شما اینطور شروع به کوبیدن من نکنید. بنابراین ما در حال ضربه خوردن هستیم، اما شما باید به موسیقی ضربه بزنید. بنابراین هر بار که یک ضرب و شتم وجود دارد، شما کتک می خورید. بنابراین ما گفتیم، "بسیار خوب، من قصد ندارم کسی را برگردانم،" اما من شروع به محافظت از خودم کردم زیرا این آزاردهنده بود. چیزی که واقعا نگران آن بودم کلاه روی سرم بود زیرا اگر آن کلاه برداشته شود مشکلی پیش می آید چه؟ بله. ممکن است تا حد مرگ لگد بخورید، و من در این مورد کاملا جدی هستم. بعد از اینکه به اندازه کافی کتک خورديم، گفتیم: "وقت آن است که از اینجا خارج شویم. ما به اندازه کافی از این کار کرده ایم." اما همه چیز فقط رقصیدن با موسیقی بود، اما فیزیکی واقعی بود. به نوعی شبیه رقص مردانه بود. مثل یک چیز باش بود. در واقع واقعا جالب بود، اما من فقط احساس مناسبی نداشتم که ضربه بزنم، می دانید چه می گویم؟ به هر حال، اگرچه من آموزش دیده ام - من فوتبال بازی می کردم، بنابراین می توانستم کار باله را روی آنها انجام دهم، اما من فقط - فکر کردم، "بله، تنها کاری که باید انجام دهم این است که این کار را انجام دهم و سپس ده نفر را روی خودم خواهم داشت." این دیگر خیلی خوب نیست. [سوال/دانشجو] خوب، اگر یارمولک شما افتاد - قرار است یک یارمولک بپوشید، برای نشان دادن احترام. اگر از بین برود، مثل این است که شما احترام نمی گذارید. بله، این پسرها به تصادفات اهمیتی نمی دهند. آنها اهمیت می دهند که یارمولک روی سر شما باشد. چیزی که باید می داشتیم، باید یک سنجاق مو می داشتیم تا آن را روی سرمان ببندیم. اینگونه است که آنها آن را نگه می دارند، اما من سنجاق مو نداشتم و بنابراین - من فقط سعی می کردم آن را روی سرم متعادل کنم در حالی که کتک می خوردم. خوب نبود. بنابراین ما از آنجا خارج می شویم، و از پله ها پایین می آییم و بیرون می رویم. من می خواهم این سوکاها را ببینم. آنها می خواهند این خیمه ها یا کلبه ها را بسازند، بنابراین ما می رویم تا ببینیم آنها چگونه خیمه های خود را می سازند. آنها خیمه های خود را اینگونه می سازند: آنها از ورق های تخته سه لا 4x8 استفاده می کنند، و دو ورق تخته سه لا به ارتفاع می سازند، و دو تا در یک طرف، دو تا در طرف دیگر، و اساسا آنها برای خود یک کلبه کوچک می سازند، و شاخه های نخل را در بالای آن قرار می دهند. بنابراین این فقط این ورق های تخته سه لا 4x8 است. فکر کردم آنها واقعا می خواهند چادر یا چیزی شبیه به آن بسازند و این فقط

تخته سه لا است. من در رشته مهندسی برق بودم، بنابراین متوجه سیم برق شدم، و بنابراین به خانه آنجا نگاه کردم و گفتم، "این یک سیم برق است که از آنجا خارج می شود. به آن سوکه می رود." فکر کردم، "این سیم برق که وارد این سوکه می شود برای چیست؟ آنها قرار است در بیابان آن را خشن کنند." بنابراین من به سمت سوکه این مرد رفتم و سرم را به آنجا فرو کردم تا ببینم - فقط می خواستم ببینم چرا یک سیم برق وارد این سوکه می شود. بنابراین سرم را در آنجا فرو می کنم و این شخص است که روی صندلی La-Z-Boy نشسته و تلویزیون را در سوکای خود تماشا می کند! من فکر می کنم، "بله، موسی، تو در بیابان هستی و آن را خشن می کنی، و این مرد روی صندلی La-Z-Boy نشسته و تلویزیون تماشا می کند." به نوعی همه چیز را از من گرفت. من نمی گویم که همه آنجا تلویزیون تماشا می کردند. متأسفم، تنها مردی که به او نگاه کردم تلویزیون تماشا می کرد. من نمی گویم که همه آنها به این شکل سیم کشی شده بودند، همه آنها سیمی نبودند، باید این را بگویم. یکی بود که سیمی بود و به همین دلیل من به آنجا نگاه کردم. اما به هر حال، سوکه ها نیز وجود دارند. پس این جشن خیمه ها است، به یاد سرگردانی در بیابان. اینها همه در ماه سپتامبر هستند.

T. پیامدهای عهد جدید [46:31-44:27]

حالا، یک چیز باید در مورد جشن شیپورها بگویم - آیا بسیاری از این اعیاد پیامدهای عهد جدید دارند؟ عید فصح، عید خیمه ها. یک بار کسی گفته است که عیسی در عید شیپورها باز خواهد گشت. این جشن هرگز "محقق" نشده است. ما نمی دانیم واقعا به چه معناست. فقط آنها شیپورها را می زنند. به یاد دارید که وقتی شیپور به صدا در می آید، مسیح نازل می شود؟ و بنابراین برخی از مردم این جشن شیپورها را مرتبط می دانند و می گویند عیسی باز خواهد گشت - چه بود؟ - 2010 هنگامی که ترومپت به صدا در می آید. اوه، 2010. این سال 2011 است. آه، دلم برایش تنگ شده بود. به هر حال، مشکل آن چیست؟ آیا ممکن است چیزی در این جشن شیپورها وجود داشته باشد؟ سوال - عیسی چه گفت؟ آیا عیسی به صراحت می گوید، «هیچ نمی داند» - چه چیزی؟ - «روز یا ساعت». بنابراین چیزی که من می گویم این است که نمی توانم بگویم که این جشن شیپورها همین است. وقتی کسی شروع به گفتن می کند، "این زمانی است که عیسی باز می گردد." ما آن مرد را داشتیم که در بهار 2012 کمپینگ می کرد؟ آیا کسی آن را دنبال می کند؟ از بهار، این مرد احمق بود که درست قبل از فارغ التحصیلی می گفت، "مسیح برمی گردد!" فینال خود را نگیرید! چرا باید فینال خود را بگیرید؟ عیسی باز می گردد، درسته؟ بنابراین به هر حال، این مرد این را گفت و سپس مثل همیشه کار نکرد. این از آن زمان تاکنون ادامه داشته است، من از دهه شصت در اطراف بوده ام. من می توانم این چیزها را به یاد بیاورم. این هجده نیست، بلکه دهه 1960 است. می دانید که من چه می گویم - پس مراقب باشید. وقتی کسی شروع به گفتن می کند که عیسی برمی گردد و از جشن شیپورها استفاده می کند، آیا باید با آن علامت سوال بزرگی بگذارید؟ دور شو، این مسخره است. بنابراین، اما ممکن است چیزی در آن وجود داشته باشد، نمی دانم، اما هیچ نمی داند. عیسی می گوید، "هیچ روز و ساعت را نمی داند." پس فقط این را در نظر داشته باشید. اما اینها برخی از جشن

های پاییز هستند. بنابراین جشن های بهاری - برداشت گندم و جو. جشن پاییز - انگور، انجیر، زیتون - این سه جشن در پاییز. آیا ما به تازگی یوم کیپور را پشت سر گذاشتیم؟ آیا یوم کیپور بود - چه بود؟ فقط سه، چهار هفته پیش؟ آیا کسی یوم کیپور را به یاد دارد؟ حدود سه یا چهار هفته پیش اتفاق افتاد که ما آن دوره را پشت سر گذاشتیم.

U. سبت و سال شنبه [49:32-46:32]

اکنون، اوقات خاص دیگر در اسرائیل. اسرائیل اوقات ویژه ای از سبت داشت. آنها هر هفته یک بار سبت را جشن می گیرند - جمعه شب تا شنبه شب. از زمانی که خورشید جمعه شب غروب می کند، اساساً شنبه روز تعطیل آنهاست و آنها شنبه خود را جشن می گیرند. شبات شالوم. شنبه شنبه است. جمعه شب تا شنبه شب است. ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده ایم. آنها همچنین چیزی را دارند که به آن سال فرصت مطالعاتی می گویند و این بسیار شسته و رفته است. آنها هر هفت سال یک سال فرصت مطالعاتی داشتند. آنها باید اجازه می دادند زمین استراحت کند. هر هفتم سال یک بار باید زمین را استراحت می دادند. آیا زمین خود را بازسازی می کند؟ می دانید، گیاهان با کوددهی زمین تجزیه می شوند. بنابراین هر هفت سال یکبار، آنها قرار بود زمین را به مدت یک سال استراحت دهند، و سپس می توانستند شش سال دیگر آن را کشاورزی کنند. آنها همچنین قرار بود بدهکاران را از بدهی های خود آزاد کنند. خدمتکاران قراردادی آنها قرار بود در سال هفتم آزاد شوند. در آن فرهنگ، بسیاری از افرادی که خدمتکار شدند. چرا اینطور بود؟ بسیار خوب، قحطی در این سرزمین وجود دارد، شما نمی توانید به خانواده خود غذا بدهید. یک مرد ثروتمند وجود دارد. او یک قطعه زمین بزرگ دارد و می تواند به دیگران غذا بدهد. خانواده شما از گرسنگی می میرند. چه کاری باید انجام دهید؟ آیا به این مرد می گویند، "بسیار خوب، من برای شما کار می کنم. من خدمتکار شما خواهم شد زیرا نمی توانم خانواده ام را سیر کنم"؟ و بنابراین اساساً، در نتیجه بدهی و قحطی، مردم خود را به افراد ثروتمندتر وابسته می کنند. راستی، آیا قرار بود هر هفت سال یکبار آزاد شوند؟ بنابراین هر هفت سال یکبار، شما از بدهی رها می شوید و می توانید همه چیز را از نو شروع کنید. حال، یکی از مشکلات این است که آیا یهودیان هرگز سال Sab را انجام داده اند؟ آیا آنها اجازه دادند زمین یک سال پس از شش سال و سپس یک سال استراحت کند؟ آنها هرگز این کار را نکردند. بنابراین لایوان فصل 25، یهودیان هرگز این کار را نکردند. آیا خدا این را پیگیری کرد؟ مطمئناً این کار را کرد. خدا آن را دنبال کرد، و هنگامی که آنها به بابل می روند، وقتی دانیال، شدراک، مشک و عابدنگو توسط نبوکدنصر به بابل برده می شوند، خدا می گوید، "شما هفتاد سال است که در بابل هستید." چرا هفتاد سال؟ خدا می گوید: «سرزمین من استراحت نکرده است.» خدا آن هفت سال را پیگیری کرد و آنها را جمع کرد و گفت: "شما از اینجا بیرون هستید. حالا زمین من قرار است استراحت کند. هفتاد سال است که شما از زمین خارج شده اید زیرا این کار را نکرده اید." بنابراین خدا آن را پیگیری کرد و اسارت بابلی بر این اساس هفتاد سال است. [سوال دانشجو] خدمتکاران. بله، بدهی های شما آزاد می شود. حالا راه های مختلفی برای به دست آوردن خدمتکار وجود

دارد. خدمتکاران یهودی آزاد می شدند. آیا راه دیگری برای به دست آوردن خدمتکار وجود دارد؟ با رفتن به جنگ و دستگیری این نوع مردم، و این چیز متفاوتی است. اما خدمتکاران یهودی از بدهی رها می شدند. اما آنهایی که در جنگ اسیر شده اند، فکر می کنم، احتمالا ادامه خواهند یافت زیرا در محیط متفاوتی هستند.

V. سال سالگرد [50:59-49:33]

سال سالگرد هر هفت هفت بار است. آیا دوباره این ایده را دریافت کردید، هفت هفت؟ هفت هفت به علاوه یک هر پنجاه سال یکبار است. بنابراین دوباره آن هفت-هفت چیز را دارد. هفت هفت به علاوه یک - پنجاه سال، و این در لاویان 25 است. این زمانی است که - فرض کنید در فقر افتاده اید و فقیر می شوید. آیا می توانید زمین خود را برای پول بفروشید؟ آیا مردم برای زمین پول می پردازند؟ بنابراین شما زمین خود را برای پول می فروشید، اما این میراث خانوادگی شماست. بنابراین اتفاقی که افتاد این است که هر پنجاه سال یک بار قرار بود زمین ارث خانوادگی خود را پس بگیرید. حالا، فایده این چیست؟ به عبارت دیگر، هر پنجاه سال یکبار، آیا خانواده شما می توانند از نو شروع کنند؟ آیا این تمایل به از بین بردن فقر دارد زیرا هر پنجاه سال یکبار آن را دوباره شروع می کنید؟ آیا این امر همچنین افراد را از بین می برد که واقعا، واقعا، ثروتمند می شوند؟ زیرا هر پنجاه سال یکبار چه اتفاقی می افتد؟ آنها مجبور شدند همه چیز را پس بدهند. بنابراین این راهی برای اصلاح چیزها بود. فکر می کنم این یک روش جالب برای ساختار دادن به چیزها است - اجتناب از افراد بسیار ثروتمند و همچنین اجتناب از فقر شدید. بنابراین هر پنجاه سال یکبار، زمین، ارث در سال یوبیل به خانواده باز می گشت. بردگان در جشن نیز آزاد شدند (آزادی بردگان).

دبلیو پوریم [55:09-51:00]

چند جشن دیگر نیز وجود دارد. جشن پوریم یک جشن جالب از کتاب استر است. آیا کسی به یاد دارد - ما هنوز استر را نخوانده ایم، اما بگذارید فقط یک عکس فوری از استر به شما بدهم. در کتاب استر - در دوره ایران است. خشایارشا پادشاه ایرانیان است. این پس از بابلی ها است. چه کسی پارسیان را شکست داد؟ اسکندر مقدونی. بنابراین می رود: بابلی ها، ایرانی ها، یونانی ها. این دنباله است. چه کسی به دنبال یونانیان است؟ رومی ها. پس این دنباله است: بابلی، فارسی، یونانی، رومی. پس پارسیان کنترل را به دست می گیرند، و این مرد مردخای را که یهودی است دوست ندارد، و او می گوید، "من می خواهم همه یهودیان را بکشم." نام او هامان است. بنابراین هامان می گوید چون احترامی که فکر می کرد باید داشته باشد به او داده نشده است، می خواهد همه یهودیان را بکشد. در همین حال، استر ملکه با خشایارشا پادشاه است. بنابراین، او ملکه است و او یهودی است. او متوجه می شود که هامان سعی دارد همه یهودیان را بکشد. پس او صحبت می کند و هامان را به شام دعوت می کند. او صحبت می کند و در نهایت هامان به دار آویخته می شود. هامان چوبه دار ساخته بود که می خواست مردخای، عمویش را به دار آویخته کند. اساسا، آنچه اتفاق می افتد این است که هامان را به چوبه دار خود آویخته می کنند و یهودیان اجازه دارند که بجنگند. بنابراین آنها از این هولوکاست، این نسل کشی اجتناب کردند. به هر

حال، آیا در هر عصری مردم دوست دارند یهودیان را بکشند؟ منظورم این است که این به دوره ایران برمی گردد. بنابراین در اینجا، یهودیان عمدتاً به دلیل کاری که استر انجام داد، از این نسل کشی در امان مانده اند. بنابراین آنها کتاب استر را جشن می گیرند. حالا، در اینجا نحوه جشن گرفتن آن آمده است. من روی حاشیه نشسته ام و زبان عبری خود را یاد می گیرم، و در گوشه و کنار، یک دسته از بچه های کوچک می آیند که همگی مانند گاوچران ها و دختران گاوچران لباس پوشیده اند و این کیسه ها را با آب نبات حمل می کنند، و به سمت من می آیند و از من آب نبات می خواهند. من فکر می کنم، به عنوان یک آمریکایی این یک یهودی است؟ هالووین! گفتم، "من نمی دانستم که یهودیان هالووین را انجام می دهند!" بنابراین من فکر می کنم، یک هالووین یهودی وجود دارد! آنها هالووین را انجام نمی دهند. این عید پوریم است - جشن حفظ استر از یهودیان تحت دست خدا. اینگونه است که آنها آن را جشن می گیرند. آنها می روند و آب نبات می خواهند و بچه ها همه آب نبات می گیرند. همه بچه ها این صداسازان را نیز دریافت می کنند. آیا تا به حال این چیزها را دیده اید؟ آنها در انتهای یک چوب هستند و اینطور هستند، و بچه ها آنها را اینگونه تاب می دهند، و سر و صدا می کنند؟ آنها همچنین این چیزها را دارند، منفجر می شوند که سر و صدا ایجاد می کنند. اتفاقی که می افتد این است که وقتی برای جشن جشن پوریم به کنیسه می روند، کل کتاب استر را می خوانند. در انظار عمومی، خاخام کنیسه کتاب استر را می خواند. حالا، آیا این طولانی است؟ این کتاب آنقدرها هم طولانی نیست. اما کتاب استر می گوید که نام هامان باید برای همیشه غرق شود. هامان مردی بود که سعی داشت یهودیان را بکشد. بنابراین نام هامان قرار بود برای همیشه غرق شود. حالا همه این بچه ها با این صداسازان آنجا نشسته اند، پس چه اتفاقی می افتد؟ خاخام آنجا بلند می شود و سعی می کند بخواند، ... "هامان!" و سعی می کند قبل از اینکه بچه ها بتوانند او را غرق کنند، نام هامان را وارد کند. بنابراین اتفاقی که می افتد این است که او داستان استر را می خواند و بچه ها آماده خواهند بود، آنها آماده هستند تا نام هامان را غرق کنند. بنابراین آن مرد سعی می کند قبل از اینکه بتواند این کار را انجام دهد، آن را وارد کند. به هر حال، آیا این واقعا چیز جالبی برای بچه ها است؟ بله، بچه ها شرکت می کنند - بچه ها می توانند خاخام را غرق کنند؟ آیا می توانید آن را تصور کنید؟ در کلیسای بپتیست که من در آن بزرگ شدم، شما فقط با دستان بسته آنجا بنشینید، به جز زمانی که والدینتان نمی توانند شما را ببینند، شما از سر مردم توپ تف می کنید، اما غیر از آن. آیا می بینید که بچه ها چگونه شرکت می کنند؟ آنها نام هامان را غرق کردند. این عید پوریم است. معمولاً در ماه مارس رخ می دهد، در آن زمان. این واقعا یک جشن جالب برای جشن استر است. اکنون استر پس از تورات و موسی است.

X. هانوکا [57:08-55:10]

حالا این یکی است که احتمالاً نام آن را به خوبی می دانید - جشن هانوکا؟ اگر به شما بگویم، "هانوکا مبارک"، هانوکا چه زمانی اتفاق می افتد؟ معمولاً در اطراف چه جشنی برای ما؟ حوالی زمان کریسمس. هانوکا معمولاً در ماه دسامبر، حوالی زمان کریسمس، درست قبل از کریسمس است. هانوکا در واقع جشنی از کاری

است که مکابیان در حدود 165 سال قبل از میلاد انجام دادند. آیا کسی با کتاب مکابیان آشنا است؟ این در آپوکریفا است. پس از پایان عهد عتیق بود، این مکابیان - اساساً همان نوع اتفاق افتاده بود. این مرد به نام آنتیوخوس اپیفانس در سوریه واقعاً آدم بدی بود. سوریه به اسرائیل می آمد و سعی می کرد اسرائیلی ها را بکشد و آنها را نابود کند. آنها اجازه ختنه کردن را نداشتند، کتاب مقدس را می سوزاندند، یهودیان را می کشتند و سعی می کردند بر یهودیان مسلط شوند و آنها را یونانی کنند. آنچه اتفاق افتاد این بود که این مکابیان قیام کردند - نام آنها در واقع به معنای "چکش" است - مکابیان برخاستند و علیه حاکم سوریه شورش کردند و معبد را پاک کردند. هنگامی که آنها معبد را پاک کردند، خدا روغن معبد را چند برابر کرد و به این ترتیب چراغان به جای هفت روز هشت روز دوام آورد. بنابراین آنها جشن می گیرند، سپس، جشن هانوکا جشن تطهیر مکابی از معبد. به هر حال، آیا عیسی هانوکا را جشن گرفت؟ یوحنا فصل 10 آیه 22 می گوید که جشن وقف بود و عیسی به آنجا می رفت. پس حتی عیسی - راستی، آیا عیسی خیلی یهودی بود؟ بله، یهودی بود. عیسی یهودی است و جشن یهودیان هانوکا را جشن می گیرد. بنابراین یوحنا به جشن فداکاری/نورها اشاره می کند که عید هانوکا از دوره مکابیان است. پس اینها جشن های اسرائیل هستند، و این یک جور چیز شسته و رفته است. یهودیان دوست دارند اعیاد خود را جشن بگیرند و ما هم همینطور.

Y. کتاب اعداد [58:00-57:09]

خب حالا، می خواهم به کتاب اعداد بپردازم. بسیاری از مردم کتاب اعداد را دوست ندارند. شجره نامه های زیادی وجود دارد، نام ها و اعداد و چیزهای زیادی وجود دارد. بنابراین کتاب اعداد اغلب به آرامی کنار گذاشته می شود. می خواهم به شما بگویم که کتاب اعداد از نظر الهیاتی به اندازه هر کتاب دیگری در کتاب مقدس مرا شکل داده است. و شما می گویند، "آیا با من شوخی می کنید؟" من به شما نشان می دهم چرا. چیزهای واقعاً جالب و پویا در کتاب اعداد وجود دارد. این کتاب در مورد چهل سال سرگردانی بیابان زمانی که اسرائیل در بیابان سرگردان بود می گوید. وقتی در بیابان سرگردان بودند، چیزی نداشتند؟ آنها نه غذا، نه آب، نه رهبری داشتند. آنها مشکلات زیادی داشتند. آنها از همه چیز شکایت می کردند. بنابراین، سرگردانی در بیابان در کتاب اعداد معمولاً یک کتاب منفی در نظر گرفته می شود، اما من می خواهم چیزهایی را از آن به اشتراک بگذارم.

Z. نذر نظیری [شماره 6] [70:18-58:01]

در کتاب اعداد، فصل 6، داستان این نذیر و آنچه نذر نذیری نامیده می شود، دریافت می کنیم. پس این از اعداد، فصل 6 است. سه قانون وجود دارد. چگونه نذیر می شوید؟ آیا شما بچه ها می خواهید یک نذیر شوید؟ چگونه نذیر می شوید؟ سه قانون وجود دارد، اساساً برای وقف کردن خود به خداوند در راه این نذر نذیر. اولین چیز این است که به اجساد دست نزنید. حالا شما می گویند، "خوب، این خیلی خوب است. به هر حال نمی خواهم به اجساد دست بزنم." در فرهنگ ما، افراد دیگر برای ما اجساد مرده را لمس می کنند. در آن فرهنگ، آیا آنها متعهدین داشتند یا اعضای خانواده باید جسد را برای دفن آماده می کردند؟ بله. و بنابراین، اگر شما یک نذیر

هستید، اجازه ندارید به اجساد دست بزنید، از این قبیل چیزها، بنابراین این مهم بود. نذیریت نباید هیچ محصولی از انگور را بخورد. این بدان معناست که مطمئناً شراب و آب انگور وجود ندارد - شما حتی نمی توانید انگور بخورید و کشمش نیز نمی توانستید بخورید. هیچ چیز از انگور مجاز نبود، بنابراین هیچ محصولی از انگور اصلاً وجود نداشت. سوم: حالا به محض اینکه این سومین مورد را در آنجا قرار دهم، همه به همان فکر فکر می کنند. وقتی این یکی را آنجا می گذارم، چه کسی به ذهن شما می رسد؟ شما اجازه ندارید موهای خود را کوتاه کنید - سامسون؟ سامسون به ذهن همه خطور می کند زیرا سامسون اجازه نداشت موهایش را کوتاه کند. به هر حال، آیا سامسون قبل از اینکه به موها برسد، با برخی از این موارد دیگر مشکل دارد؟ سامسون یک نذیر بود. او از بدو تولد یک نازی بود، بنابراین از بدو تولد هرگز نتوانست موهایش را کوتاه کند. سوال - او قرار نبود به اجساد دست بزند، مشکل آن چیست؟ آیا سامسون را اجساد مرده؟ بله، خوب، پس موها را می گیرید - موهای سامسون آخرین نی بود. این سه چیز برای نذر نذیری است و شخص خود را به ویژه وقف خداوند می کند. آنها هیچ انگور، تیغ روی سرشان نمی گرفتند و به اجساد دست نمی زدند. حالا کارکرد آن چه بود؟ آن شخص خود را از یهوه جدا می کرد، آنها نذر می کردند که خود را از هم جدا کنند، به ویژه با خداوند. این نشان می داد که خدا بر غذای فرد است، خدا بر خانواده فرد است، و خدا حتی بر نحوه نگهداری بدن خود است. خدا بر غذا، خانواده و بدن خود بود. این یک بنای یادبود قابل مشاهده بود. اگر شخصی نذر نذیری گرفته باشد - به هر حال، آیا مجبور بودید برای همیشه نذر نذیری ببندید؟ شما باید مثل سامسون از بدو تولد یک نذیر به دنیا می آمدید و او در تمام زندگی خود یک نذیر بود. آیا می دانید که بسیاری از مردم فقط برای یک سال، برای دو سال، یا نیم سال، یا چیزی شبیه به آن نذر نذیر کردند؟ شما می توانید برای مدت زمان کوتاه تری نذر کنید. شما مجبور نبودید تمام عمر این کار را انجام دهید. اکنون سامسون تمام عمرش این کار را انجام داد، اما به عنوان افراد عادی می توانستید این کار را برای مدت زمان مشخصی انجام دهید. به هر حال، اگر به سامسون نگاه می کردید، می دانستید که او یک نذیر است؟ چرا؟ او هرگز موهایش را کوتاه نکرد. در مورد ریش و موهای آن مرد به من بگویید. حالا همسر، ما به نوعی بزرگ شدیم زمانی که آنها این افراد را داشتند که به آنها "هیپی" می گفتند. بنابراین همسر موهایش را از پشتش پایین آورده بود. ظاهراً رشد موهای شما زمانی که طول مشخصی به دست می آید متوقف می شود. حالا ریش آن مرد، من هرگز ریشم را اینقدر بلند نکرده ام، اما در مورد ریش آن مرد هم همین طور فکر می کنم، اما آیا سامسون یک سر موی بزرگ خواهد بود؟ او هرگز موهایش را کوتاه نکرده بود. آیا کسی تا به حال عکسی از کیت گرین دیده است؟ در واقع، یکی از قهرمانان من مردی به نام کیت گرین است و مدل موی او در واقع مرا به یاد سامسون می اندازد. رها کردن چیزها برای خدا - غذا، خانواده، حتی روشی که فرد بدن خود را تزئین می کند. این در مورد رها کردن چیزها برای خدا است. حال، چگونه یک نذر نذیری را تکمیل می کنید؟ وقتی عهد ناصری خود را تمام کردید، چگونه آن را به پایان می رسانید؟ خوب، اول از همه، شما یک قربانی برای خدا تقدیم می کنید. آیا این طبیعی به نظر نمی رسد؟ شما می خواهید عهد فداکاری خود را به خدا به

پایان برسانید و یک قربانی تقدیم کنید. دومین کاری که انجام می دهید این است که سر خود را بتراشید - آیا این باید دردناک باشد؟ شما سر خود را می تراشید و موهای محراب را می سوزانید. بنابراین ناگهان مرد از یک سر بزرگ به سر تراشیده تبدیل می شود و موها تراشیده می شوند. [سوال/دانشجو] بله، سامسون. وقتی می گویم - چند نفر از شما می گوئید سامپسون و یک "p" در سامسون خود قرار دهید؟ آیا کسی "p" را در سامسون خود قرار می دهد؟ شما بچه ها از هفتاد یونانی کار می کنید، اگرچه آن را نمی دانستید. آیا نام سامسون "p" در آن وجود دارد؟ نه، اینطور نیست. اما همه معمولاً آن را سامپسون بر اساس هفتادگی، متن یونانی عهد عتیق تلفظ می کنند. آنها حتی نمی دانند چرا، اما در واقع نام او شیمشون است. شیمشون بر اساس کلمه "خورشید" است. بنابراین نام سامسون واقعاً به معنای "آفتابی" است. بنابراین "آفتابی" نام سامسون است. سامسون - او از بدو تولد یک نذیر بود. ساموئل نیز از بدو تولد یک نذیر بود. بسیاری از مردم نذر نذیر را با ساموئل مرتبط نمی دانند، اما او همچنین از بدو تولد یک نذیر بود. این یکی از آنها در عهد جدید است: پولس. پولس رسول در پایان خدمت خود در حالی که به اورشلیم باز می گردد نذر می کند و سعی می کند برای مردم فقیر اورشلیم پول جمع کند. پولس نذر ناصری می خورد. به هر حال، آیا این بدان معناست که پولس باید به اورشلیم برود و موهای خود را روی محراب بسوزاند؟ آیا سر خود را می تراشد و موهایش را روی محراب می سوزاند؟ به یاد داشته باشید که همه این افراد به پولس می گفتند، "پولس، به اورشلیم نروید. پول، اگر به اورشلیم بروید، آنها شما را در آنجا دستگیر می کنند و این واقعاً برای شما بد خواهد بود." سوال - پولس نذر نذیری کرده بود. آیا او باید به اورشلیم برود تا موهایش را روی محراب بسوزاند؟ بله، او این کار را می کند. پل این کار را انجام می دهد. وقتی او به آنجا می رسد، آیا او را به زندان می اندازند؟ بله، آنها انجام می دهند. بنابراین، پولس اینگونه بود. اما به هر حال، او برای یک یا دو سال، نمی دانم، نذر نذیری انجام می دهد - پولس رسول این کار را می کند. حالا این سوال دیگری را مطرح می کند: آیا عیسی یک نذیر بود؟ شما می گوئید، "نه، چون من عکس های عیسی را دیده ام و او همیشه خوب تراشیده شده است." آیا عیسی یک نذیر بود؟ وقتی جوان تر بودم، به من آموختند که عیسی یک نذیر است و بنابراین، عیسی شراب نمی نوشید. بنابراین، چون عیسی شراب ننوشید، نباید شراب بنوشید. عیسی یک نذیر بود. مشکل این استدلال چیست؟ بله، عیسی نه تنها شراب می نوشید، بلکه شراب می ساخت. اما بعد می گوئید، "خوب، این آب انگور بود و واقعاً نبود..." و شما به همه اینها می روید، اما عیسی یک ناصری نبود. عیسی یک ناصری بود. این یعنی چه؟ یک ناصری به این معنی است که او اهل شهر ناصره است، این تمام چیزی است که به این معنی است. عیسی یک ناصری بود، به این معنی که او اهل شهر ناصره در جلیل بود. این بدان معنا نیست که او یک نذیر بود. عیسی یک نذیر نبود. او یک ناصری اهل شهر ناصره بود. این مهم است که با الکل چه می کنید؟ آیا کتاب مقدس پرهیز از الکل را تعلیم می دهد؟ عیسی شراب نوشید. در جام عید فصح - ما می دانیم که در جام عید فصح یهودیان چه بود. این شراب در فنجان است. شما می گوئید، "آیا این مشروع است و آیا می توانم به عنوان عضو هیئت علمی کالج گوردون شراب بنوشم؟ بله، تا زمانی که در محوطه دانشگاه نباشد. من فکر می کنم

آنها یک قانون دارند، دانشکده می تواند خارج از محوطه دانشگاه باشد. من مثل تمام راه ها یک teetotaler هستم. به طور عمده، من الکل نمی نوشم مگر اینکه در یک موقعیت فرهنگی باشم، مانند اینکه در یک زمینه یهودی هستم و آن مرد مقداری شراب به من می دهد و شما در حال برگزاری مراسمی هستید و شرکت می کنید. مدتی با زنی مشورت کردم که شوهرش الکی بود. او به خانه می آمد و بچه هایش را کتک می زد و انواع کارهای واقعا بد انجام می داد. برادر شوهرم مشکلات عمده ای با الکل داشته است. به شما گفتم، ما هر چیزی را که مرد داشت برداشتیم و به خانه ام آوردیم. یکی دیگر از دوستان من، اریک زیمرمن، یک دوست دانشجویی خوب من یک شب زمانی که یک مست از علامت ایست عبور کرد و اریک را در محل کشت، کشته شد. دوست من، او تا به امروز به خاطر آن در قبر است. بنابراین من به نوعی بعد از مرگ اریک مشروب نمی نوشم. چیزی که واقعا جالب است، من مشروب نمی خورم. آیا همه بچه های من مشروب می نوشند؟ بله. یک پسر من در واقع آن را در این سطل های پنج گالن دم می کند. بنابراین از این نظر واقعا خوب کار نکرده است، اما می دانم کاری که باید انجام دهم برای من مناسب است. به هر حال، کتاب مقدس الکل را محکوم نمی کند. کتاب مقدس مستی را محکوم می کند. آیا کتاب مقدس صراحتا می گوید که مستی گناه است؟ کتاب مقدس صریحا در مورد مستی گناه است. بنابراین مستی مشکل است. به هر حال، وقتی در اسرائیل هستید – من یک سال در اسرائیل زندگی کردم! مردم آنجا با وعده های غذایی خود شراب می نوشند. صادقانه بگویم، من هرگز مستی را در اسرائیل ندیدم. اگر یهودی هستید و آنجا مست می شوید، آیا می خواهید مست شوید و وارد بخش عرب شوید؟ فقط می خواهم به شما بگویم، شما آنجا مست می شوید، ممکن است مرده باشید. و بنابراین مردم این کار را نمی کنند. آنها در حد اعتدال می نوشند. بنابراین، شما باید مراقب باشید. کتاب مقدس پرهیز را نمی گوید. من به دلایل دیگر خودداری می کنم، اما نه به این دلیل که کتاب مقدس این را فرمان می دهد. شما باید با آن کار کنید. حالا، این مرد در آخرین ساعت کلاس، او از کلیسایی است که کلیسا در آن موضع می گیرد که در کلیسا الکل نمی نوشند. آیا باید به آن کلیسا برگردد و بگوید، "استاد من می گوید که عیسی شراب نوشید." آیا این واقعا زشت است؟ وقتی در چنین زمینه ای هستید، دوباره، من از آن کار بزرگی نمی کنم. اگر در جامعه ای هستید که آنها مشروب نمی نوشند و این برای آنها مهم است، حدس می زنم چیزی که می گویم این است: آرام باشید. شما مجبور نیستید به عنوان بزرگ به آنجا بروید - شما می خواهید آنها را در مورد الکل روشن کنید. من در یک کلیسا بودم، کشیش یک کلیسا برای مدتی در منطقه تنسی، جایی که آنها کلیسا را به خاطر الکل تقسیم کردند. آنها کلیسا را به خاطر الکل منفجر کردند. من وارد می شوم، می دانم که کلیسا بر سر الکل تقسیم شده است – من به عنوان یک واعظ وارد شدم، روز اول بیرون رفتم – هرگز آن را فراموش نمی کنم – هیئت بزرگان همه به صف شده بودند و من می روم تا با آنها دست بدهم، و هر یک از آن بزرگان یا می شوند یا سیگار می کشند یا تف می کنند. حدس بزنید این بچه ها برای امرار معاش چه کردند؟ آنها تنباکو پرورش دادند. این پایین جنوب است. آنها تنباکو پرورش دادند و همه آنها کشاورز تنباکو هستند. آنها فقط کلیسا را بر سر الکل تقسیم کردند. حالا من اهل شمال هستم. آیا این ذهنم را گیج

کرد؟ فکر کردم، "شما کلیسا را بر سر الکل تقسیم می کنید، که اشکالی ندارد، و با این حال شما همه تنباکو پرورش می دهید، که همه را می کشد." بنابراین چیزی که من می گویم این است که آیا من آنجا بلند شدم و موعظه بعدی خود را در مورد شرارت های تنباکو ایراد کردم؟ آیا می فهمید چرا آنها این کار را روی الکل انجام دادند؟ این بچه ها یک مشت درخشان ماه بودند. آنها ماه را در رادیاتورهای می درخشیدند و از رادیاتورهای احمقانه مسمومیت با سرب می گرفتند! بنابراین، می دانید که من چه می گویم. مشکلات عمده ای در روزهای ممنوعیت وجود داشت. این بچه ها به طرف دیگر رفتند. بنابراین چیزی که من می گویم این است که شما باید جا بیفتید، حدس می زنم چیزی است که من می گویم، یک بار دیگر - ماژور در رشته های اصلی، مینور در خردسالان. چیزهایی وجود دارد که به اندازه کافی مهم نیستند که بتوان روی آنها مبارزه کرد. بنابراین اگر به کلیسای بروم که همه از نوع پرهیز کننده باشند، فقط از رای دادن خودداری می کنم. اگر به کلیسای می روم که همه می نوشند، فقط سعی می کنم به آنها توضیح دهم که چرا مشروب نمی نوشم، اما اگر در شرایطی باشم که برای آنها توهین آمیز باشد، این کار را می کنم. هر چه بنوشم می نوشم. بنابراین چیزی که من می گویم این است که فقط به معاشرت و اجتماع فکر کنید زیرا مهمتر از چیزی است که می نوشید. حدس می زنم این چیزی است که من می گویم.

Aa. اعداد 6 و برکت کاهنان [74:31-70:19]

قدیمی ترین قطعه کتاب مقدس اعداد فصل 6 است. بگذارید فقط داستان را برایتان تعریف کنم. فکر می کنم قبلا این را گفته ام. آیا نظریه JEDP را به خاطر دارید؟ منتقدان می گویند که موسی این را ننوشته است. تورات توسط یک نویسنده J نوشته شده بود که نام یهوه را دوست داشت، نویسنده E که نام الوهیم را ترجیح می داد، تنبیه توسط یوشیا به نوعی یک چیز جداگانه نوشته شد، در زمان یوشیا و سپس سند P پیشرفته ترین بود، و به دلیل تمام پیچیدگی مقررات کاهن، سند کشیشی بود. کد کشیشی نوشته شده بود - سند P - حدود 550 قبل از میلاد تا 450 قبل از میلاد پس از تبعید به بابل. حالا، بگذارید برکت کاهنان را از اعداد برای شما بخوانم. «خداوند به موسی گفت: «به هارون و پسرانش بگو: ای هارون، به عنوان کاهن، باید بنی اسرائیل را اینگونه برکت دهید: به ایشان بگو، خداوند شما را برکت دهد و شما را حفظ کند. خداوند چهره خود را بر شما بدرخشد و به شما مهربان باشد. خداوند روی خود را به سمت شما برگرداند و به شما آرامش بدهد.» چند نفر از شما شنیده اید که یک شبان می گوید، "خداوند شما را برکت دهد و شما را حفظ کند، صورتش را بساز..." اگر به کلیسای پارک استریت بروید، دکتر گوردون هوگنبرگر در هر مراسم کلیسا با این برکت کشیشی به پایان می رسد. این یک برکت کشیشی است. اگر اورشلیم هستید، شما کوه زیتون هستید، دره ای وجود دارد که از اینجا می آید به نام دره کیدرون، بین کوه زیتون و اورشلیم. اینجا به دریای مرده می رود. دره دیگری وجود دارد که از این طرف پایین می رود و از اینجا قطع می شود. آنها همین جا در حال ساختن هتلی بودند و ماشین حفاری ناگهان به چیزی برخورد کرد. یک مقبره بود. این مقبره فرو ریخته بود - و فکر می کنم قبلا در این مورد صحبت کردم - مقبره در اثر زلزله فرو

ریخته بود. وقتی به آنجا رسیدند، همه چیز، از جمله زنی که یک طلسم نقره ای دور گردنش داشت، در آنجا پیدا شد. زن هنوز در جای خود بود و طلسم به دور گردنش بود. آنها طول کشید - به من گفته شد که سه سال آن طلسم نقره ای را باز کنم. در واقع، وقتی در مورد مقبره های اورشلیم صحبت می کنید، از یک مرد صحبت می کنید، و آن نام گابریل بارکی است. من در دهه هفتاد زیر نظر او درس می خواندم، آن دهه 1970 بود، و گابی بارکی معلم من بود. یکی از چیزهای واقعا شسته و رفته برای من این ترم آخر بود، ما یک دانشجوی گوردون داشتیم - به هر حال، شما بچه ها می توانید در اسرائیل در کوه صهیون در کالج دانشگاه اورشلیم تحصیل کنید. یکی از شاگردان ما برگشت و گفت، "می دانید، من باستان شناسی اورشلیم را از دکتر گابی بارکی گرفتم" و من فکر کردم، نه، او هنوز نمی تواند زنده باشد. وقتی من در دهه هفتاد آنجا بودم پیر بود. این مرد خیلی پیر است. او هنوز هم روزانه یک پاکت سیگار می کشد. من نمی دانم او چگونه این کار را انجام می دهد. اما به هر حال، اما او باستان شناس مقیم اورشلیم است. من با او بوده ام وقتی وارد مقبره می شود، به دیوار مقبره می رود و آثار اسکنه را در آنجا لمس می کند و می تواند در عرض صد سال از زمانی که آن علامت اسکنه ساخته شده است، به شما بگویم. این مرد یک مرد یهودی بسیار باهوش است که در تمام زندگی خود مقبره های اورشلیم را مطالعه کرده است. او کارشناس برجسته جهان در زمینه مقبره ها در اورشلیم است. او در همه آنها بوده است و آنها او را وادار کردند که این را پیدا کند. او در نهایت این را منتشر می کند. این اولین قطعه کتاب مقدس است. تاریخ آن از چه زمانی است؟ قدمت آن مربوط به 600-700 سال قبل از میلاد است. چرا این مهم است؟ زیرا منتقدان می گفتند که سند کشیشی (P) مربوط به 450 سال قبل از میلاد است. ما در واقع یک تکه از کتاب مقدس را دور گردن یک زن از 600 تا 700 سال قبل از میلاد داریم. این اولین قطعه ای از کتاب مقدس است که تا به حال پیدا شده است. چه کسی زندگی می کرد که این دور گردن این خانم می چرخید؟ آیا حزقیا پادشاه را می شناسید - آیا کسی تا به حال نام حزقیا را شنیده است؟ حزقیا در حالی که این دور گردن این خانم می چرخید، زنده بود. حزقیا در کتاب مقدس! بنابراین این واقعا یک یافته فوق العاده است. صادقانه بگویم، من خیلی خوشحال بودم، برای دکتر بارکی که او در این کار شرکت کرد. این از کتاب اعداد بیرون می آید. اعداد 6، برکت کاهنان اولین قطعه ای از کتاب مقدس است که تا به حال یافت شده است.

AB. چرخه های ادبی اعداد [76:10-74:32]

کتاب اعداد در یک چرخه قرار می گیرد، و این چرخه ها بارها و بارها اتفاق می افتند، و این چرخه به نظر می رسد: اول از همه، آنها یک مشکل دارند. مشکل آنها چیست؟ مشکل آنها این است که آنها در بیابان هستند، و وقتی شما در بیابان هستید چه چیزی وجود ندارد؟ به اصطلاح هیچ چیز وجود ندارد. وقتی در بیابان هستید، آب وجود ندارد، غذا وجود ندارد، وجود ندارد - شما همه این مشکلات را دارید. بنابراین در بیابان سختی وجود دارد و مردم با مشکل روبرو خواهند شد. پس مردم چه می کنند؟ مردم شکایت می کنند. و آنها چه می گویند؟ آنها می گویند، "موسی، ای کاش ما به مصر برمی گشتیم، جایی که این همه تره فرنگی و خربزه را می

خوردیم و این همه غذا و آب را داشتیم،" رودخانه نیل. بنابراین مردم شکایت می کنند. سپس چه اتفاقی می افتد؟
خدا پاسخ می دهد. آیا خدا از قوم یهود در بیابان خشمگین می شود؟ بله، شما آن را دیدید. او عصبانی می شود و خشم خدا را مانند یک بار ذکر می کند، و بنابراین خدا پاسخ می دهد. بسیاری از اوقات خدا از اسرائیلی ها عصبانی می شود و بعد از عصبانیت خدا چه کسی وارد عمل می شود؟ موسی می پرد و می گوید: «خدایا، این کار را نکن! فقط راحت باشن" و موسی می پرد و **سپس موسی میانجیگری می کند.** سپس چه اتفاقی می افتد؟ به نوعی جالب است. آیا خدا تسلیم می شود؟ او از اسرائیل عصبانی است. او آنها را نابود می کند یا کاری انجام می دهد - آتش یا مار یا هر چیز دیگری - و سپس خدا تسلیم می شود. سپس معمولاً در پایان داستان یک خلاصه که داستان را خلاصه می کند.

Ac. اعداد مینی سیکل اعداد 2-11:1 [78:11-76:11]

حالا، کاری که من می خواهم انجام دهم این است که یک چرخه کوچک بگیرم، و کل این چرخه را در دو بیت به شما نشان می دهم. به همین دلیل است که به آن مینی سیکل می گویند، فقط دو آیه است، اما کل چرخه را دارد. سپس به یک چرخه بزرگ نگاه خواهیم کرد. بنابراین ما ابتدا یک چرخه کوچک انجام می دهیم، سپس یک چرخه بزرگ انجام می دهیم. چرخه دو آیه ای برای این الگو در اعداد. اعداد، فصل 11، آیه های 1-2 - دو آیه، اینگونه پیش می رود. اعداد، فصل 11، آیه 1: "اکنون مردم از سختی های خود در شنیدن خداوند شکایت کردند." بنابراین مردم از سختی های خود شکایت کردند. مشکل چیست؟ مشکل سختی های بیابان است. به هر حال، آیا کویر مکان سختی برای زندگی است؟ بهتر است آن را باور کنید. بنابراین، سختی های بیابان و سپس مردم شکایت می کنند. "اکنون مردم از سختی های خود در شنیدن خداوند شکایت کردند." پس انتظار دارید در آینده چه اتفاقی بیفتد؟ خدا پاسخ می دهد. «آنگاه چون خداوند آنها را شنید، خشم او برانگیخته شد. آنگاه آتش خداوند در میان آنها سوخت، و برخی از حومه اردوگاه را سوزاند.» بنابراین، خدا این آتش را می فرستد، چیزها و مردم را می بلعد. آتش بیرون اردوگاه را می سوزاند. حالا چه اتفاقی می افتد؟ همه اینها در دو آیه است - کل این چرخه. پس چه چیزی باقی مانده است؟ ما باید آن را به عنوان یک درس در پایان جمع آوری کنیم، و بنابراین می گوید، "آن مکان تابره نامیده شد زیرا در آنجا آتش خداوند خاموش شد." بنابراین آن مکان را تابره نامیدند. این مکان نام خود را از این آتش سوزی که در آنجا رخ داد گرفته است. همه اینها در دو آیه اتفاق می افتد.

اعداد 11: 4-25 تمایزی شکایت و مرثیه [87:54-78:12]

حالا، من می خواهم به یک چرخه بزرگ بروم، و چرخه بزرگ چرخه ای است که موسی شخصا در اینجا درگیر آن می شود. این به من مربوط می شود. مردم از من خسته می شوند و می خواهند گوشت بخورند. آنها من خدا را دوست ندارند و گوشت می خواهند بخورند. پس نزد موسی می آیند و از آن شکایت می کنند. حالا، قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، می خواهم این را تنظیم کنم. مردم شکایت می کنند و پاسخ خدا چیست؟ مردم شکایت می کنند و خدا با خشم و قضاوت پاسخ می دهد. اما وقتی موسی شکایت می کند چه اتفاقی

می افتد؟ وقتی خود موسی شکایت می کند، آیا خدا خشم او را برمی انگیزد؟ آیا او موسی را قضاوت می کند؟ چگونه است که موسی شکایت می کند که خدا واقعا به او کمک می کند؟ من می خواهم این است که تمایز قائل شوم - این تمایز واقعا مهمی بین شکایت و ناله است. من می خواهم بین این دو کلمه تمایز قائل شوم - شکایت و ناله کردن. کلمات دقیقا یکسان هستند. هر دو شکایت از خدا هستند، اما معنی آنها کاملا متفاوت است، و به همین دلیل است که من فکر می کنم آنچه در حال رخ دادن است - چرا به موسی کمک می شود و اسرائیل مورد قضاوت قرار می گیرد به دلیل این تمایز بین نوحه و شکایت است. بگذارید از همسر من به عنوان مثال استفاده کنم. من ازدواج کرده ام - می گفتم 36 سال است، اما باید تفریق را در ذهنم انجام دهم، و اینجا خیلی چیزها وجود دارد - اما بیش از 36 سال. بنابراین ما مدت زیادی است که ازدواج کرده ایم. آیا همسر من دوست دارد؟ پاسخ این است که بعد از 36 سال، بهتر است آن را باور کنید. منظورم این است که او با من سخت و نازک بوده است، اما بیشتر لاغر بوده است. و بنابراین، بله، می دانم که او مرا دوست دارد. ما تقریبا در اواسط سی سالگی بودیم - او احتمالا 35 ساله بود، 36 ساله. همسر من فردی بسیار درونگرا است، فردی بسیار آرام - فردی بسیار اجتماعی اما بسیار آرام. من هرگز نشنیده ام - وقتی بچه هایم انواع کارهای دیوانه وار انجام می دادند، هرگز صدای فریاد همسر من را نشنیده ام. او فریاد نمی زند. او هرگز سر بچه های من فریاد نمی زند. او ساکت و فردی درونگرا است، همانطور که من وقتی خارج از کلاس هستم هستم. یک روز، من کاری کردم که واقعا احمقانه بود، و بنابراین او شروع به فریاد زدن بر سر من کرد، و واقعا بلند بود. من هرگز ندیده بودم که صدایش را اینطور بلند کند و او شروع به فریاد زدن بر سر من کرد. در این زمان، ما در خانه ای زندگی می کردیم که آیا تا به حال در شهری زندگی کرده اید که خانه های کناری شما - می توانید دستتان را از پنجره بیرون بیاورید و می توانید خانه کناری را لمس کنید - یک پیاده رو بین خانه های شما وجود دارد و تمام. و بنابراین ما خانه هایی در دو طرف داشتیم، یک پنجره - تابستان است - همه چیز باز است، و او با این صدا شروع به فریاد زدن می کند، مثل این است، "گاو مقدس!" به او می گویم: «آنت، ساکت باش، ساکت باش! منظورم این است که آنها به پلیس زنگ می زنند!» و همانطور که سعی کردم او را ساکت کنم، حدس بزنید چه اتفاقی افتاده است؟ به جای ساکت شدن، بلندتر می شود. من حتی نمی دانستم که صدای او می تواند تا این حد بلند باشد. من قبلا هرگز نشنیده بودم که او این کار را انجام دهد! بنابراین سعی می کنم او را ساکت کنم و بگویم: "مردم می خواهند با ما پلیس تماس بگیرند! آنها فکر می کنند اینجا چیزی بد می شود، بنابراین ساکت باشید." او این کار را نمی کرد. او فقط سر من فریاد می زد و سر من فریاد می زد. آیا او سر من فریاد می زد زیرا مرا دوست داشت یا به این دلیل که از دست من عصبانی بود؟ بگذارید فقط دو فریاد مختلف سرم بزنم، باشه؟ یکی از فریادها بر سر من این است: "تو خیلی احمق هستی! من هرگز به شما اجازه نمی دهم این کار را انجام دهید - دیگر هرگز نباید این کار را انجام دهید! این احمقانه ترین چیز بود - باورت نمی شود!" و سپس او می گوید، "من از اینجا بیرون هستم. دیگر هرگز نمی خواهم تو را ببینم. من آن را با شما داشته ام. دیگر هرگز نمی خواهم تو را ببینم. من رفتم." چه جور از بین رفته است؟ "من رفته ام. دیگر نمی

توانم آن را تحمل کنم. من از اینجا بیرون هستم.» بسیار خوب، آیا این یک نوع است؟ آیا این کاری بود که همسرم وقتی سر من فریاد می زد انجام می داد؟ نه. کاری که او انجام می داد این بود که می گفت: "تد، تو دوباره این کار را کردی. من دیگر به شما اجازه نمی دهم. تو مرد بهتری از این هستی. من از شما بهتر می خواهم. و من به شما اجازه نمی دهم دوباره این کار را انجام دهید زیرا این کاملاً بی احترامی و کاملاً خارج از خط بود، و شما بهتر از آن هستید. و من بر صورتت فریاد خواهم زد تا زمانی که مرد بهتری بشوی که باید می بودی." حالا سوال: آیا این روش کاملاً متفاوتی برای رسیدن به آن است؟ کلمات در واقع می توانند بسیار شبیه به هم باشند، اما در یک مورد، او سر من فریاد می زند و به من می گوید "بهتر عمل کنید! دوستت دارم! شما می توانید بهتر عمل کنید!" یکی به سمت یک نفر می آید، دیگری در حال نجات است. آیا تفاوت را می بینید؟ وقتی اسرائیل شکایت می کند، چه می کند؟ آیا آنها به دنبال خدا می روند یا نجات می دهند؟ آنها در حال نجات هستند. وقتی موسی به سوی خدا می آید، آیا موسی در برابر خدا قرار می گیرد؟ بله، او خواهد کرد. من برخی از آن ها را در اینجا برای شما می خوانم. موسی در برابر خدا قرار خواهد گرفت. او خدا را نجات نمی دهد، او به دنبال خدا می آید و می گوید: "خدایا، این درست نیست. شما باید بهتر عمل کنید." تفاوت بین شکایت و نوحه وجود دارد - چیزی که من واقعاً در مورد آن صحبت می کنم کتاب مزامیر است. شما بچه ها کتاب مزامیر را می شناسید زیرا مزامیر مزامیر ستایش خدا است، درست است؟ "آه، خداوند را شکر کن زیرا او خوب است، برای او همیشه عشق وفادار برای همیشه ماندگار است." و ما تمام ستایش های شگفت انگیز مزامیر را می خوانیم. بگذارید امتحان کنم - شما بچه ها مزمور 23 را یاد گرفتید، درسته؟ ولی آیا قبل از عیسی، هزار سال این سرود را خواندند؟ بله. «خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟ چرا اینقدر از ناله های من دور هستی؟» یا اگر این را دوست ندارید به مزمور 13 برگردید: «خداوند، تا کی مرا فراموش خواهی کرد؟ برای همیشه؟" تصویر - شما در یک کلیسا هستید، و مردی می ایستد و دعایش را اینگونه شروع می کند: "خداوند، تا کی مرا برای همیشه فراموش خواهی کرد؟ تا کی خواهی کرد" - آیا واقعاً خوب پیش می رود؟ بزرگترها او را کنار می کشیدند و می گفتند: «می دانی، می فهمی؟ خدا شما را فراموش نمی کند. خدا همه چیز را می داند. خدا شما را دوست دارد و برنامه فوق العاده ای برای زندگی شما دارد." مزامیر نویس چه می گوید؟ مزامیر نویس می گوید، "ای خداوند، تا کی مرا فراموش خواهی کرد؟ برای همیشه؟" حالا، این در کتاب مزامیر است. واقعاً بد می خواهید؟ بیشتر مرثیه ها - حق با شماست - بیشتر مرثیه ها با یک نکته مثبت به پایان می رسند. سال گذشته کسی در مورد پرونده من بود و می گفت: "همه ناله ها به مثبت تبدیل می شوند." نه، نه. شما مزمور 88 را نمی دانید - من حتی نباید این را به شما بگویم - مزمور 88 - در کل فقط یک مزمور وجود دارد که یک مرثیه است و حدس بزنید چگونه به پایان می رسد؟ بیشتر آنها در پایان برای هوا می آیند. آیا مزمور 88 مطرح می شود؟ نه. به تاریکی ختم می شود. و چیزی که من به شما پیشنهاد می کنم این است - این خیلی جالب است - مزمور ۸۸. حالا از اینجا به کجا می روید؟ مسیحیان در بیان ناله ناتوانی دارند. به عبارت دیگر، به عنوان مسیحیان، همه چیز باید خوب باشد. خدا همه چیز

را کنترل می کند. خدا برنامه فوق العاده ای برای زندگی شما دارد. خدا شما را دوست دارد و برنامه فوق العاده ای برای زندگی شما دارد. همه چیز باید خوب باشد. شما به عنوان یک مسیحی همیشه باید لبخند بر لب داشته باشید چون خدا بسیار شگفت انگیز است. سوال – آیا موسی همیشه لبخند بر لب داشت؟ آیا مزامیر نویس همیشه لبخند بر لب داشت؟ چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که مراقب افرادی باشید که همیشه بالا هستند. همچنین مراقب افرادی باشید که همیشه کم هستند. آیا زندگی در فراز و نشیب های زندگی زندگی می شود؟ مراقب این مسیحی باشید که همه چیز جالب است چون از شما می پرسم – آیا موسی مرد خداست؟ به موسی گوش دهید که خدا را خطاب می کند: "موسی صدای ناله مردم را شنید،" زیرا گوشتی برای خوردن وجود نداشت. پس موسی – این فصل ۱۱ از اعداد آیه ۱۰ است – «هر یک در ورودی خانه خود و خداوند بسیار خشمگین شد و موسی مضطرب شد. و او [موسی] از خداوند پرسید: «چرا این مصیبت را بر بنده خود آورده ای؟» آیا این یک سوال بلاغی است یا این یک سوال واقعی است؟ «چرا این دردسر را برای خدمتکار خود به وجود آورده ای؟ من چه کرده ام که شما را ناراحت کنم که بار این افراد را بر دوش من بیندازید؟ آیا من این افراد را باردار شدم؟ آیا من آنها را به دنیا آوردم؟" موسی می گوید، "من آنها را به دنیا نیاوردم. تو همه این افراد را روی من گذاشتی – خدایا من باید همه این افراد را بر سرم حمل کنم. من این افراد را به دنیا نیاوردم. من همه این افراد را تصور نکردم.» پیامد چیست؟ چه کسی این افراد را باردار شد؟ چه کسی آنها را به دنیا آورد؟ خدا این کار را کرد. پس موسی از این سوالات بلاغی برای انجام چه کاری استفاده می کند؟ برای متهم کردن خدا. بگذارید اول این را تمام کنم و سپس به آن برمی گردیم. «چرا به من می گویی آنها را در آغوش خود حمل کنم، همانطور که پرستاری نوزادی را به سرزمینی حمل می کند که به اجدادشان قول داده بودی؟ از کجا می توانم برای همه این افراد گوشت تهیه کنم؟ آنها مدام برای من ناله می کنند. به ما گوشت بدهید تا بخوریم! من نمی توانم این افراد را به تنهایی حمل کنم. بار برای من خیلی سنگین است.» آیا موسی به روشی بسیار بسیار قوی به سوی خدا می آید؟ راستی، آیا این موسی، مرد خداست؟ آیا او یکی از بزرگترین پیامبران عهد عتیق است؟ توجه کنید که چگونه او به روشی واقعا قوی به خدا می آید. چیزی که من می گویم این است که این چیزها برای ما نوشته شده اند. او ناله می کند و خدا با او برخورد می کند.

Ae. تنبیه در خشم؟ [91:52-87:55]

حالا، آیا قرار است وقتی عصبانی هستید فرزندان را تنبیه کنید؟ به چند نفر از شما گفته شده است که "وقتی عصبانی هستید هرگز فرزندان خود را تنبیه نمی کنید؟" از شما می پرسم، چند نفر از والدینتان وقتی عصبانی بودند شما را تنبیه کرده اند؟ آیا خدا فرزندان را وقتی عصبانی است تنبیه می کند؟ حالا، به هر حال، آیا عصبانیت یک مشکل است؟ عصبانیت بیش از حد می تواند منجر به خشونت و چیزهای بد شود. بسیاری از بچه هایی که در زندان می شناسم به دلیل عصبانیت در زندان هستند. آن مرد دوست دخترش را دزدید و بیرون رفت و اسلحه گرفت و او را کشت زیرا بسیار عصبانی و حسادت داشت. بنابراین عصبانیت می تواند واقعا بد باشد. اما،

از سوی دیگر، آیا ما، که در فرهنگ مدرن زندگی می‌کنیم، به نوعی خشم وجودمان را اخته کرده ایم؟ آیا عصبانیت هرگز مناسب است؟ آیا خدا عصبانی می‌شود؟ ما به عنوان مسیحیان نمی‌توانیم از پس آن برآییم. ما خدای عشق را دوست داریم. خدا عشق است، صلح. او همه را دوست دارد. او یک برنامه فوق العاده برای زندگی شما دارد. شما بچه‌ها اعداد را خوانده اید. آیا خدا گاهی هک می‌شود؟ بله، او این کار را می‌کند. بنابراین شما باید واقعا مراقب چیزها باشید. خدا مردم را وقتی عصبانی است تنبیه می‌کند. آیا همه خشم اشتباه است؟ عهد جدید می‌گوید، "عصبانی شوید و" چه؟ "گناه نکنید." "خشمگین باش و گناه نکن." وقتی بی‌عدالتی را می‌بینید، آیا باید خشم وجود داشته باشد؟ وقتی بی‌عدالتی را می‌بینید باید عصبانیت وجود داشته باشد. "خشمگین باش و گناه نکن." بنابراین، به عبارت دیگر، زمانی برای عصبانیت و زمانی برای عصبانیت وجود دارد. موسی از سوالات بلاغی استفاده می‌کند، بنابراین، نه به عنوان سوالات بلاغی برای پرسیدن سوالات، سوالات بلاغی او آمدن پرخاشگرانه او به خدا است. او خدا را سرزنش می‌کند. سوالات بلاغی اغلب توسط پیامبران برای سرزنش مردم استفاده می‌شود. در مورد موسی در اینجا، او از سوالات بلاغی به عنوان سرزنش خدا استفاده می‌کند. حالا این یک مورد دیگر است – این یک مورد قوی است – آیا ممکن است که یک مسیحی آرزوی مرگ را داشته باشد؟ این موسی است، مرد خدا، او می‌گوید، "خدایا، اگر می‌خواهی با من اینگونه رفتار کنی، همین الان مرا بکش." به هر حال، آیا من آن دعا را به مردم توصیه می‌کنم؟ نه. شما با خدا صحبت می‌کنید – مشکل آنجا چیست؟ خدا می‌تواند مردم را بکشد. آیا موسی رابطه خارق العاده‌ای با خدا دارد؟ بله، او این کار را می‌کند. آیا موسی آنقدر غمگین بود که گفت: «خدایا، اگر مرا مجبور کنی همه این افراد را حمل کنم، دیگر نمی‌توانم این کار را انجام دهم. اگر می‌خواهید با من اینگونه رفتار کنید، مرا بکشید. فقط همین الان مرا بیرون ببر.» حال، خدا چه می‌کند؟ آیا خدا موسی را سرزنش می‌کند؟ نه، خدا به موسی کمک می‌کند، و خدا به موسی می‌گوید، "ای موسی،-- من می‌خواهم روح را بر تو بگیرم بزرگان و رهبران اسرائیل را دور هم جمع کنم.-- ای موسی، من می‌خواهم روح را از تو بگیرم و آن را بر روی این هفتاد نفر قرار دهم. آیا موسی باری هفتاد نفری را حمل می‌کرد؟ جای تعجب نیست که چرا آن مرد پایین بود. او این بار را حمل می‌کرد - برای او خیلی سنگین است. خدا بار موسی را بر هفتاد رهبر اسرائیل تقسیم می‌کند. پس روح موسی گسترش یافت. وقتی خدا با موسی برخورد می‌کند، چیز زیبایی است. موسی در چهره خدا قرار می‌گیرد، اما این از آن دسته چیزهایی است که او می‌گوید، "خدایا، کاری بکن!" خدا کاری می‌کند و روح را می‌گیرد و آن را بر این هفتاد نفر می‌گذارد. بنابراین این یک چیز واقعا شسته و رفته است.

حالا، کلاس بعدی، ما می‌خواهیم به اعداد بپردازیم، فصل 12. اعداد فصل 12 به این سوال پاسخ می‌دهد:

نظر خدا در مورد ازدواج بین نژادی چیست؟ اکنون این یک سوال بزرگ در فرهنگ امروز ما نیست، اما داده‌های کتاب مقدسی برای آن وجود دارد. ما می‌خواهیم دفعه بعد به آن نگاه کنیم.

این دکتر تد هیلدبرانت و دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق او است: سخنرانی شماره ۱۴ در مورد قربانی ها و اعیاد لاویان و بحث اولیه در مورد کتاب اعداد.

خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت 2

رونویسی شده توسط سارا وودبری